

فشارها و توطئه های تازه علیه زندانیان سیاسی

فلان تعداد قاچاقچی عمده در اولین تیرباران شدند. "اوین سمبل زندان های سیاسی ایران است. رژیم برای این که این سمبل را بشکند اخیرا همه کثیری از زندانیان هادی دارای جرم های بالا را در این زندان جاداده است. روز ملاقات زندانیان هادی و سیاسی یکی است. به تحریک رژیم پیش آمده است که خانواده های زندانیان عادی با خانواده های زندانیان سیاسی درگیر شوند و موجب آزار آنان گردند.

مهم ترین توطئه تازه علیه زندانیان سیاسی ماجرایی به اصطلاح "هفو" هدهای از آنان است. اکنون دژخیمان بر فراز کوهی از جنازه دم از آزادی آنان می زنند. در روز ۲۷ مهرماه، ری شمیری رئیس ساواک فقط اعلام کرد که ۲ بقیه در صحنه ۲

هم زنجیران به خون تشیده زنده می شود و در گوش آنها مدام صدای رگبار جوخه های اعدام طنین افکن است. دژخیمان در چنین فضایی فشارهای مختلف را شدت بخشیده اند. اکنون خبر از روان پریشی این یا آن زندانی می رسد. گفته می شود که این زندانی دچار جنون شده و یا آن دیگری در چنان حالتی فرورفته که در هنگام ملاقات چهره های مات و مبهوت داشته و قادر به سخن گفتن نبوده است.

رژیم برای این که ابعاد کشتار زندانیان سیاسی را پوشیده نگه دارد، اعدام زندانیان عادی همچون قاچاقچیان را در داخل زندان های سیاسی صورت می دهد. در روزنامه های رژیم مدتی است که با تیترهای درشت خبر می دهند

رژیم پس از کشتار جمع وسیعی از زندانیان سیاسی - کشتاری که تنها اطلاق عنوان "قتل عام" می توانست ابعاد آن را نشان دهد. به توطئه های تازه ای علیه بازماندگان این جنایت عظیم رو آورده است. هنوز نمی توان گفت که در روزهای جاری شدت کشتار نسبت به ماه های شهریور و مهر تا چه حد فروکش کرده است. هنوز بسیاری از خانواده ها از سرنوشت همیزان دربند خود بی اطلاعند و یا اگر از زنده بودن آنها خبر داشته باشند، در دلهره و اضطرابند که آیا در نوبت ملاقات بعدی، امکان دیدار دست خواهد داد و یا خبر قتل آنان را خواهند شنید. در داخل زندان ها شدت اندوه و ماتم صدچندان است. در ذهن هر زندانی بجای مانده از کشتار بزرگ مدام یاد



نثر به سازمان فداییان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۱۰ بهمن ۱۳۶۷ برابر ۳۰ ژانویه ۱۹۸۹ بهماه ۶۰ ریل - سال پنجم - شماره ۲۴۳

مذاکرات فراموش شده؟

یان الیاسون نماینده دبیر کل سازمان ملل متحد در مذاکرات ایران و عراق، هفته گذشته بدنبال دیداری از ایران، وارد عراق شد تا تلاش برای از سرگیری این مذاکرات و شکستن بن بست آن را ادامه دهد. وی همراه با فرمانده یوگسلاوی نیروهای پاسدار صلح سازمان ملل، از بصره بازدید کرد. الیاسون اظهار امیدواری کرده است بتواند دو طرف را در آینده نزدیک به پای میز مذاکره برگرداند. وی ضمن اشاره به اینکه تاکنون در گفتگوها پیشرفتی حاصل نشده است، از دو طرف خواست در این راه کوشش بیشتری نشان دهند.

همزمان با ترک تهران از سوی الیاسون، موسوی نخست وزیر جمهوری اسلامی بار دیگر موضع جمهوری اسلامی مبنی بر عدم پیشرفت مذاکرات تا قبل از خروج نیروهای عراقی از ۱۰۰۰ کیلومتر مربع خاک ایران را تکرار کرد. جمهوری اسلامی می گوید مساحتی معادل هزار کیلومتر مربع هنوز در اشغال عراق است. مدتها، جنگ ایران و عراق حکم "جنگ فراموش شده" را داشت. با اینکه هر روز صداها و هزاران تن در این کشتار بی سرانجام سلاخی می شدند، افکار عمومی جهان کمتر به این جنگ توجهی نشان می داد. اکنون به نظر می رسد مذاکرات صلح نیز می رود تا به "مذاکرات فراموش شده" تبدیل شود. هر دو رژیم در پیشرفت این مذاکرات کار شکنی می کنند و دبیرکل سازمان ملل گفتگوها را آنگذر بی

بقیه در صفحه ۱۱

فهرست اسامی ۶۰۸ تن

از قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

در صفحات ۸۰۷، ۸۰۸ و ۸۰۹

با کمبود سوخت و خاموشی های طولانی و مکرر زندگی مردم فلج شده است

می گردد. در تهران، اصفهان، تبریز و اراک که از مراکز ثقل صنعتی کشور هستند، کارخانجات به هلت خاموشی طولانی مدت برق و کمبود سوخت، قادر به حفظ آهنگ حداقل تولید نیستند. توزیع سوخت در تهران و سراسر کشور به شدت نابسامان است. در پایتخت کشور که دارای پالایشگاه تصفیه نفت خام و تولید نفت سفید و گازوئیل است، از زمان ریزش اولین برف زمستانی در اوایل دی ماه، صفهای خرید نفت سفید و انواع سوخت به مراتب طولیتر از پیش شده است. در شهرستانها بویژه مناطق سردسیر کشور مردم از مدتها پیش دچار کمبود سوخت هستند. طبق گزارش مطبوعات دولتی، طی دو هفته به هیچ یک از شعبات توزیع نفت شهرستان ورامین نفت تحویل داده نشد. دارندگان وسایل گازسوز و "شوفاژ" با قطع توزیع گاز و خالی شدن منبع سوخت شوفاژ از آنجا که قبلا کوپن نفت تمهید نکرده اند، از سهمیه نفت کوپنی نیز محروم هستند. نه تنها سوخت مصرفی خانگی بلکه سوخت صنعتی کارخانجات و واحدهای تولیدی نیز دچار کمبود هست. هلیرفم تبلیغات دولت، بسیاری از واحدهای صنعتی، نیروگاه ها و واحدهای تولیدی - خدماتی مستقیما به هلت کمبود سوخت و خاموشی های طولانی برق از کار افتاده و یا نیمه تعطیل شده اند. بنا به گفته وزیر نیرو بخشی از خاموشی های فعلی ناشی از

در شهرها و روستاهای کشور همراه با خاموشی برق، اهالی سرمایه دار کشور با کمبود شدید نفت سفید، گاز، گازوئیل و دیگر انواع سوخت ها مواجه هستند. مشکل تامین سوخت و برق لاینحل شده است و گره آن روز بروز سخت تر می شود. سخنان مسئولین و از جمله نخست وزیر حاکی است که در آینده نزدیک نیز گشایشی نخواهد بود. امروز بر کشوری که بر روی ۱۰۰ میلیارد بشکه نفت قرار دارد، ظلمت و سرما حکمفرماست. زندگی روزمره در کارخانجات، معادن، ادارات، واحدهای خدماتی و منازل که با برق و سوخت پیوسته است، دچار اختلال شده و چرخه حیات اقتصادی از هر زمان دیگر کندتر

در این شماره

- اعتصاب دانشجویان علوم پزشکی ایران - - - - - در صحنه ۳
- این فجایع رami خواهند با بوق و کرنای تبلیغاتی و چوبه های دار از میان بردارند! - - - - - در صحنه آخر
- گرانی طاقت فرسا است - - - - - در صحنه ۵
- بل هوایی شوروی برای کابل - - - - - در صحنه ۱۴

بقیه در صحنه ۲

فشارها و توطئه‌های تازه علیه زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه اول

می‌خواهند فرمان "هغو" دهند و این موضوع "از جانب وزارت اطلاعات طرح شده و توسط مقامات حکومت اسلامی مورد بحث و بررسی قرار گرفته، اما هنوز به تصویب نرسیده است." اکنون نیرنگ تازه را به مصوبه تبدیل کرده‌اند. منتظری قائم مقام خمینی مسئول اجرای این مصوبه است. منتظری از مسئولان زندان‌ها خواسته است بر مبنای آئین نامه مصوب، فهرست زندانیانی را که مشمول "هغو" می‌شوند، در اختیار دفتر وی قرار دهند تا ترتیب آزادی آنان داده شود. در آئین نامه مذکور گفته شده است زندانیان سیاسی آزاد نمی‌شوند و یا در مدت محکومیت آنها تخفیفی داده نمی‌شود "مگر این که توبه آنها نزد حاکم شرع، دادستانی انقلاب و وزارت اطلاعات محرز باشد."

قضیه "هغو" برای رژیم مصرف تبلیغاتی دارد. به مجرد مطرح شدن این موضوع، خبرگزاری‌های غربی به برجسته کردن آن پرداختند. این قضیه، اساساً توطئه‌ایست مکمل

قتل‌عام زندانیان سیاسی. رژیم بر آن سر است تا با طرح آزادی عده‌ای از زندانیان، به زعم خود دست به یک ضدحمله تبلیغی بزند، تا در انظار جهانیان اندکی هم که شده چهره کریه خود را بپوشاند. دادن عنوان "توبه کرده" به همه زندانیانی که بعضاً آزاد شده و یا ممکن است آزاد بشوند، نیز جزئی از توطئه تازه رژیم است.

فشارها و توطئه‌های تازه علیه زندانیان سیاسی را باید با تمام نیرو افشا کرد. شرط اصلی رسیدن حرکات افشاگر به یک تاثیرگذاری کیفی، پیگیری در پیشبرد آنهاست. در ماه‌ها و هفته‌های اخیر، حرکات‌های افشاگری که در کشورهای مختلف صورت گرفت، در مطرح کردن مساله سرنوشت زندانیان سیاسی ایران و قتل‌عام آنان، بسی موثر بوده است. این حرکات، تجربه‌ها و تلاش‌های تازه‌ای را در برداشت که باید در تثبیت آنها کوشید. اکنون وظیفه اصلی پی‌گرفتن تلاش‌های صورت گرفته است.

پیگیری و ادامه‌کاری این سلاح اصلی ما از جمله برای مقابله با توطئه‌های تازه رژیم علیه زندانیان سیاسی است.



با کمبود سوخت و خاموشی‌های طولانی و مکرر زندگی مردم فلج شده است

بقیه از صفحه اول

کمبود سوخت نیروگاه‌های برق است. وی می‌گوید "ما سوخت نداریم، هر وقت به نیروگاه‌ها سوخت رساندند خاموشی را کمتر می‌کنیم."

سخنان وزیر نیرو پیش از آنکه پاسخ به هلت خاموشی‌های طولانی برق باشد، گریز از فشار اعتراضات عمومی است. تنها سوخت بخشی از نیروگاه‌های تولید برق، گازوئیل و نفت است، بخش عظیمی از نیروگاه‌های کشور گازسوز و آبی هستند اما سیاست‌های ویرانگر رژیم خمینی صنایع کشور را از کار انداخته است. در ده سال گذشته نه تنها بر ظرفیت تولید برق نیروگاه‌ها اضافه نشده، بلکه حتی برای جلوگیری از استهلاک واحدهای موجود و حفظ ظرفیت اسمی تولید آنها نیز اقدامی صورت نگرفته است. در این مدت بخشی از نیروگاه‌ها به

هلت کمبود قطعات و خرابی ناشی از بهاران از کار افتاده و دولت بودجه‌ای برای راه‌اندازی آنان اختصاص نداده است.

بر اساس گزارش مسئولین وزارت نیرو کمبود برق مصرفی روزانه حدود ۲۵۰۰ مگاوات است و دولت می‌خواهد به جای تلاش برای ایجاد نیروگاه جدید و راه‌اندازی نیروگاه‌های آسیب دیده،

با خاموشی‌های طولانی، آن را جبران کند. در حالی که حتی اگر برای تولید ۲۵۰۰ مگاوات برق اعتبار تامین شود باز تولید و مصرف تعادل نخواهد یافت و خاموشی‌ها تا زمان احداث نیروگاه‌های جدید حداقل با ۱۰۰۰ مگاوات کمبود ادامه خواهد یافت. زیرا با توجه به تغییرات مصرف در ماه‌های مختلف سال، میزان مورد نیاز برای رفع خاموشی‌ها ۳۵۰۰ مگاوات است. نخست وزیر، روز پنجشنبه بهمن

هنگام بازدید از نیروگاه "نکا" در شمال کشور تصریح کرد که جمهوری اسلامی در کوتاه مدت وضع فعلی خاموشی را برطرف نخواهد ساخت و برنامه خاموشی سال‌ها دوام خواهد داشت.

هم‌اکنون میزان خاموشی در روز بین ۶ تا ۹ ساعت است و آنهم در گرماگرم فعالیت مردم است. در هفته گذشته میزان خاموشی در تهران و اصفهان به بیش از ۱۴ ساعت در روز رسید. اگرچه برنامه خاموشی به‌طور رسمی به نوبت و نوبت بندی نیز مراعات نشده و خسارات سنگینی بر واحدهای صنعتی و مردم وارد کرده است. در هر محدوده از لحظه‌ای که برق قطع می‌شود فعالیت واحدهای صنعتی، بیمارستان‌ها، حمل و نقل، ثانوی‌ها، پمپ بنزین‌ها و سایر اماکن تولیدی و خدماتی متوقف می‌شود و لوازم برقی مردم در منازل با خاموش و روشن شدنهای ناگهانی از بین می‌روند.

در همین فاصله کوتاه، خاموشی برق به گرانی لوازم برقی خانگی و تعمیر آنها، افزایش کار کارمندان ادارات، بیکاری کارگران، کمبود نان و... منجر شده است. کارگری در گفتگو با روزنامه کیهان (۴ دی) می‌گوید: "بیشتر ضرر و زیان به ما می‌خورد برای اینکه وقتی برق خاموش می‌شود تمام کارهای خوابه و کارهایی که وجود دارد و میشه بدون برق انجام داد به تعداد محدودی مثلاً ۱۰ نفر می‌رسد در حالیکه تولیدی ما ۳۰ نفر کارگر دارد و وقتی برق قطع میشه ما بیکار می‌شویم..." و کارگر دیگر می‌گوید: "همین الان که برق رفت اتفاقاً من از کارفرما پرسیدم مزد سه ساعت ما را که نمیدی پس ما چه بخوریم اونم جواب داد هوا؟"

خاموشی برق با کاهش سطح تولید و افزایش هزینه آن همراه است که سنگینی آن از طریق گرانی و کمبود کالاها بر دوش کارگران و زحمتکشان تحمیل می‌شود.

فتح الله دیانت، آنکه آذر خشی در سینه داشت

در سیاهچال‌های اوین از هر فرصتی بهره می‌گرفت تا دژ زندان، همچون دژ مقاومت عمل کند: شرکت در این اعتصاب غذا، تدارک آن اعتصاب، برپایی مراسم اول ماه مه، برگزاری گرامیداشت ۱۹ بهمن و... و در پی هر یک از آنها تخته شلاق او بسا اوقات حتی می‌کوشید یک تنه به نبرد برخیزد. خوی و خلقتش از سابق چنین بود. با پاسدار هادری افتاد، زندانبانان را مسخره می‌کرد، ضوابط اتاق ملاقات را زیر پا می‌گذاشت و... و باز هم هر بار تخته شلاق. مستنطق‌ها از مدت‌ها پیش به این حکم رسیدند که "این ملحد غیر قابل ارشاد است!"

فتح الله گهگاه با خود این شعر را زمزمه می‌کرد:
آذر خشی از سینه من روشن است

تندر توفنده فریاد من است
هر کجا فریاد آزادی، منم
من در این فریاد هادم می‌زنم

در آن صبحگاه تاریک و سردآبان‌ماه که او را از خیابان پشت‌بند به سوی تپه اعدام می‌بردند، شاید همین شعر را زمزمه می‌کرد؛ باین اطمینان که نمریست، زیرا که فریاد آزادی نامیراست و او در طنین فریادهای اردوی آزادی در گوشه گوشه میهن، در چهار گوشه جهان، جاری، جاودانه خواهد ماند.

به‌گونه‌ای کار ساز ایفای وظیفه کرد. همواره در صف مقدم تظاهرات مردم جای داشت. در جمعه خونین هفده شهریور، در آن صبحدم سرخ در میدان ژاله بود و به تصادف آن بار از مرگ جست. فدایی خلق فتح الله دیانت، آنکه از همان بدو طلوع سیاهکل راه فدایی را برگزید، در سال‌های پس از انقلاب بهمن به مثابه عضوی از سازمان مبارزه را پی گرفت. در سالهای دشوار پس از ۱۳۵۷ رفیق منضبط و سرشار از انرژی خود را به آب و آتش می‌زد. بهیچ‌رو نمی‌توانست وقفه در کار و دلمردگی را بپذیرد. می‌گفت ما همراه با کوششی مضاعف برای برافراشته نگه داشتن پرچم نبرد، با خون خود هم که شده باید هوامل دلمردگی و تردید را برویم و بزدلیم.

در ۱۸ شهریور ۶۵ این رفیق پرتحرک که دمی یارای ایستادن نداشت، به چنگ گزیمه‌های خمینی افتاد. وی پیش از آن عزم استوار خود را برای مقاومت تا پای جان در زندان، با فروتنی و کمی حجب اینگونه بیان داشته بود که "رفقا! مطمئن باشید از مهلکه آتش زندان، بی‌آبرو گذر نمی‌کنم." و چه خوب به همدش وفا کرد. او از آن رفیقانی بود که بآن همه شکنجه لب نشود. دشمن از او به هیچ‌ردی از یارانش نرسید. چهار ماه مستمرا شکنجه شد و مقاومت کرد. مقاومت کرد تا رقیقان رها بمانند.

دارالفنون تهران گرفت. در سال ۱۳۴۶ وارد دانشگاه تهران شد و در پیوند با جنبش دانشجویی قرار گرفت. این جوان ورز شکار با آن صمیمیت، سرزندگی و تعورش به دانشجوی محبوبی در دانشکده علوم تبدیل شد. همزمان با تحصیل دانشگاهی، تدریس در مدارس پائین شهر تهران را آغاز کرد. شیفته آموزگاری کودکان شد. راه صمد بهرنگی را در پیش گرفت. صمد را عاشقانه دوست داشت. در سال ۱۳۵۰ پس از فارغ التحصیلی از رشته فیزیک گذراندن دوره سربازی را آغاز کرد. پس از آن برای طی دوره فوق لیسانس به خارج کشور رفت. در آمریکا، در جنبش دانشجویی علیه دیکتاتوری شاه رزم سرسختانه‌ای را پیش برد. به دفعت توسط پلیس آمریکادستگیر و زندانی گردید. یکبار در شرف تحویل به ساواک بود. اعتراضات گسترده و هماهنگ دانشجویان توانست به انصراف پلیس آمریکا و رهایی او بیانجامد. فارغ التحصیلی او در سال ۵۶ با ترک برداشتن دیوار دیکتاتوری شاه همزمان گردید. فتح الله به میهن بازگشت و در جنبشی قرار گرفت که نام، ای آفرین را برای به‌زیر کشیدن شاه برمی‌داشت. وی که بار دیگر کار تدریس دانش‌آموزان تهرانی را از سر گرفته بود، در پیشاپیش معلمان مبارز جای گرفت. در سازماندهی کانون مستقل معلمان

فدایی خلق فتح الله دیانت، آخرین بار در مردادماه ۶۷ بود که با خانواده‌اش در زندان دیدار داشت. وی در این دیدار هدیه‌ای از بند برای خانواده‌اش به همراه آورد که اکنون از او به یادگار مانده است. هدیه تابلویی است که فتح الله با آبرنگ در زندان نقاشی کرد. این تابلو، صحنه ملاقات دو دختر کوچکش را با پدر در محل زندان نشان می‌دهد. دخترکان لباس‌هایی به رنگ شاد و روشن بر تن و شاخه‌های گلی به رنگ زندگی در دست دارند. دخترها، گلها را به سوی دیوارهای زندان سردست گرفته‌اند. دیوارها مرتفع، قطور و سیاه‌رنگ اما کهنه و پوسیده و ترک‌خورده است. از پدر دست‌های پیداست که میله‌های پنجره زندان را مشت کرده‌اند، اما چهره او نمایان نیست. چهره‌اش در سیاهی پشت پنجره زندان گم شده است... کمتر از سه ماه بعد از آن دیدار، در ساعت چهار صبح روز دهم آبان ماه، وقتی که بر تپه‌ای در اوین در برابر جوخه اعدام ایستاد، باز هم چهره‌اش پیدا نبود. در تاریکی پیش از پگاه، آنچه که از او دیده می‌شد سیاهی سایه‌ای بود که پس از فرش رگبار جوخه اعدام در خاک نشست و دیگر محو شد.

فتح الله دیانت در سال ۱۳۴۸ در تبریز به دنیا آمد. دیپلم متوسطه را از دبیرستان

اعتصاب دانشجویان علوم پزشکی ایران

با گسترش اعتصابات دانشجویی در سطح دانشگاه‌های شهرهای مختلف کشور، اخبار آن در مواردی به صورت رقیق شده و سرو پا شکسته به مطبوعات دولتی ره می‌یابد. از جمله آنها اعتصاب پر نمود دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی ایران در ماه گذشته بود که در روزنامه کیهان چهارم دی‌ماه ۶۷ با زتاب یافت. در زیر متنی را که پیرامون این اعتصاب، در آن روزنامه به چاپ رسید می‌خوانید.

اعتراض جمعی از دانشجویان علوم پزشکی به کمبود امکانات و پذیرش بی‌رویه دانشجویان

جمعی از دانشجویان دوره بالینی، علوم پایه و فیزیوتراپی و دانشکده علوم پزشکی ایران دیروز از رفتن به بیمارستان‌های محل کار و خوی، خودداری کردند و به نشانه اعتراض به پارهای از مسائل آموزشی و اجرایی و نحوه مدیریت، در حیاط دانشکده علوم پزشکی اجتماع کردند. نمایندگان و چند تن از دانشجویان معترض در گفتگویی با گزارشگر کیهان علت اعتراض جمعی خود را چنین توصیف کردند:

۱- آموزش پزشکی فاقد برنامه‌ریزی مشخصی است و

۲- ظاهراً وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی عواققت کرده است که سه بیمارستان قلب، هاشمی‌نژاد و شهید اکبرآبادی را که متنی به این‌دانشکده است به‌دانشگاه شهید بهشتی واگذار کنند و سیاست‌های گذشته که بیمارستان فقیه، لایق‌نژاد، خاتم-

الانبیاء و مرکز طبی کودکان به دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه تهران و بنیاد شهید واگذار شده بود تداوم پیدا کند و قلمروهای تجربی این دانشگاه هر روز محدودتر و محدودتر گردد.

۳- در پو تاسیس این دانشکده تنها ۸۰ دانشجو پذیرفته شد، در حالیکه سال ۶۶ حدود ۷۵۰ نفر دانشجو پذیرفته شده است، و معلوم است با کثرت دانشجویان، آینده علم پزشکی با امکانات محدود و اساتید انگشت‌شمار و بیمارستان‌های قلیل چقدر تیره و مهم خواهد بود.

۴- بر اثر بی‌کفایتی بعضی از مدیران، دانشجویان پزشکی هر روز شاهد صحنه‌های نامنابعاری در بیمارستان‌ها هستند و از جمله دیده می‌شود که در بعضی بیمارستان‌ها متخصصان و پزشکان بالای سر مریمتی

حضور ندارند و اترن‌ها که نمی‌دانند چکار کنند فقط شاهد جان کندن بیمار هستند. مع اساتدان دانشگاه بر اثر ضعف مدیریت، یکی یکی از دانشکده رفته‌اند و یا راهتی خارج از کشور شده یا برای گرفتن تخصص محیط دانشگاه و تدریس را ترک کرده‌اند.

۷- یک‌سال و نیم است که کمک هزینه دانشجویی به دانشجویان پرداخت نشده است و اغلب دانشجویان مجبورند کتابهای خود را برای تأمین معیشت بفروشند یا اینکه صاف کپی کنند و به کارهای از این دست اشتغال ورزند، و در نتیجه حمایت شل مقدس پزشکی هر آینده زیر سؤال می‌رود.

۸- برخورد کارمندان این دانشگاه با دانشجویان محترمانه نیست.

در پایان دانشجویان خواستار حل مشکلات فوق شدند.

استعفای نماینده نهانند در مجلس اسلامی

احمد زمانیان، نماینده نهانند در مجلس شورای اسلامی، روز چهارشنبه ۲۸ دی ماه در جلسه علنی مجلس با اشاره به درگیری‌های جناح‌های حکومتی در نهانند، اعلام داشت که به علت فشار و تهدید مخالفین خود در نهانند دیگر قادر به ادامه فعالیت نمایندگی به نام نهانند در مجلس نیست و استعفا داد. وی از تریبون مجلس خطاب به خمینی اظهار کرد: «از تو مدد می‌جویم و اعلام می‌دارم که در محیط پر از اضطراب و رعب و وحشت نهانند قادر به انجام وظایف نمایندگی نیستیم و با تشکر از مردم به خاطر انتخاب اینجانب در سه دوره نمایندگی مجلس، استعفای خود را تقدیم ریاست مجلس شورای اسلامی می‌کنم.»

وی پیش از اعلام استعفای خود به سابقه اختلافات و کشمکش‌های گردنشان جمهوری اسلامی در نهانند پرداخت و قاش کرد که علیرغم اطلاع بازرسی کل کشور، دادسرای انتظامی قضات و پزشک قانونی پرونده تحقیق حوادث تکان‌دهنده محلی به بایگانی سپرده شد و مسئولان قضایی به جای مجازات متخلفان، «عامل ظلم و ستم و رعب و وحشت را مجدداً بر مسند قدرت نشاندند و اکنون با تمام قدرت نه بر کرسی قضاوت بلکه بر مسند انتقامجویی از شاکیان و گزارش‌دهندگان نشسته است.»

از میان دیگر رویدادها

«معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی در گفتگوی مطبوعاتی اعلام داشت که ثبت نام کنکور سراسری سال آینده دانشگاه‌ها از ۲۵ بهمن ماه آغاز می‌شود. داوطلبان برای ارسال مدارک ۲۰ روز فرصت دارند، آزمون نیز روزهای ۸، ۹ و ۱۰ تیر ماه ۶۸ برگزار خواهد شد. معاون وزیر فرهنگ و آموزش عالی تأکید کرد که برگزاری به موقع کنکور سال آینده به تأمین کافز بستگی دارد. امسال هزینه ثبت نام داوطلبان ۵۰۰ ریال نسبت به سال قبل افزایش یافته و بنا به تصویب مجلس، قرار است ۴۰ درصد ظرفیت دانشگاه‌ها به بسیجیان حزب الهی اختصاص یابد.»

«دو هفته پیش، منتظری به‌طور ناگهانی به دیدار خمینی رفت و در چهاران با وی به‌طور خصوصی به گفتگو پرداخت. از طریق منابع دولتی جزئیات گفتگوی خمینی با منتظری فاش نشده است. برخی گزارش‌ها، حاکی است که پیش از دیدار منتظری با خمینی، دونا به سوی منتظری پیرامون تحولات جاری و اقدامات شورای عالی قضایی به چهاران ارسال شده است. خبر دو هفته گذشته همدلی از آخوند هابی که در رابطه با فعالیت‌های مهدی هاشمی دستگیر شده بودند، به تأیید چهاران اهدام شده‌اند. در دیدار منتظری با خمینی، هادی هاشمی برادر مهدی هاشمی حضور داشت.»

«از میان ۶۵۳ روستای شهرستان کنبه ۱۲ روستای این شهرستان فاقد مدرسه و معلم هستند. بنا به توضیحات مسئولان «نهضت سوادآموزی» کنبه ۴۹ در صد افراد سنین ۶ سال به بالای کنبه‌بی سواد هستند.»

سفر خامنه‌ای به اتریش و موسوی به ترکیه

دوشنبه ۹ بهمن وزیر کشور جمهوری اسلامی برای ملاقات با همتای ترک خود وارد آنکارا شده است. محتشمی در ترکیه با وزیر کشور و تورگوت اوزال نخست‌وزیر مبادله اطلاعات امنیتی میان ایران و ترکیه، فعالیت مشترک در منطقه مرزی، چگونگی برخورد با پناهندگان سیاسی ایرانی مقیم ترکیه و... مورد بررسی قرار خواهد داد.

هم‌اکنون جمهوری اسلامی مشغول تدارک برنامه «استقبال گرم» از وزیر امور خارجه فرانسه است. مهمان فرانسوی جمهوری اسلامی روز ۱۵ بهمن وارد تهران خواهد شد. میزبانی از رولان روموزیر خارجه فرانسه برای جمهوری اسلامی به لحاظ سیاسی و اقتصادی اهمیت ویژه‌ای دارد.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی ملی خامنه‌ای رئیس‌جمهور، اواخر ماه فوریه برابر با اوایل اسفندماه برای ملاقات با مقامات اتریشی وارد وین خواهد شد. هنوز تاریخ دقیق ورود خامنه‌ای اعلام نشده اما بنا به نوشته روزنامه کیهان، احتمالاً سوم اسفند یا پنجم اسفند خواهد بود.

«الویزهای» وزیر امور خارجه اتریش در مصاحبه با تلویزیون این کشور ضمن تأیید خبر سفر خامنه‌ای، اعلام داشت که وی نیز در ماه ژوئن برای یک ملاقات رسمی به ایران سفر خواهد کرد.

در فاصله سفر خامنه‌ای به اتریش، موسوی نخست‌وزیر راهی ترکیه خواهد شد. بنابه گزارش خبرگزاری دولتی سفر موسوی به ترکیه تا چند هفته آینده صورت خواهد گرفت. از روز

نهضت آزادی در انتخابات ریاست جمهوری شرکت می‌کند

نخست‌وزیر سابق جمهوری اسلامی مهدی بازرگان هفته گذشته با روزنامه «تهران تایمز» - روزنامه انگلیسی‌زبان چاپ تهران - به مصاحبه پرداخت و برنامه فعالیت آتی «نهضت آزادی» را که توسط وی رهبری می‌شود، تشریح کرد. بازرگان اعلام داشت که قصد دارد ابعاد فعالیت «نهضت آزادی» را گسترش دهد و به صورت یک حزب سراسری فعال سازد. مهدی بازرگان که در ماه گذشته با آغاز ثبت نام «فعالیت احزاب» از وزارت کشور برای ادامه فعالیت نهضت آزادی تقاضای پروانه کرده است، اظهار کرد که قصد دارد در انتخابات ریاست جمهوری آینده که در مردادماه برگزار می‌شود کاندیدامعرفی کند.

علاوه بر «نهضت آزادی» طبق گزارش مطبوعات دولتی تاکنون ۳۲ گروه، انجمن و حزب از وزارت کشور جمهوری اسلامی تقاضای فعالیت سیاسی کرده‌اند.

اسامی برخی احزاب، گروه‌ها و انجمن‌ها که نام آنان از سوی وزارت کشور به عنوان متقاضی فعالیت اعلام شده است، عبارتند از:

- نهضت آزادی ایران - مهدی بازرگان
- گروه امر به معروف و نهی از منکر - محسن سیداسماعیلی
- جمعیت زنان جمهوری اسلامی - زهرا مصطفوی (دختر خمینی)
- جنبش انقلابی مردم مسلمان ایران (جاما)
- وفاداران نواب صفوی - فدائیان اسلام - عبد خدایی
- نهضت مجاهدین خلق ایران - لطف‌الله میثمی
- جمعیت دفاع از آزادی - محمد توسلی (شهردار سابق تهران)
- جامعه‌الصادق - بنی‌الله شوکت لطیفی‌پور
- کانون هدایت - علی‌اکبر خوشگو
- جامعه اسلامی مهندسان کشور
- جامعه اسلامی فارغ التحصیلان هندوستان - محمود میرلوحی
- جامعه فارغ التحصیلان دانشکده علم و صنعت - محمد حبیبیان
- حزب محاد اسلامی - قلامر ضاجباری



به هلت کمبود داروهای حیاتی در کشور، همه داروی تجویز شده مورد نیاز بیماران تحویل به هلت کمبود داروهای حیاتی در کشور، همه داروی تجویز شده مورد نیاز بیماران تحویل نمی‌شود. هکس از صف مردم در برابر داروخانه‌های سلمان و ابوذر در تبریز گرفته شده است.

برگ‌نواورد درخت نارون

شعر زیر توسط یک کودک ده ساله برای بستگانش در خارج کشور فرستاده شده است

فصل پاییز زمستان دارد ————— بار دیگر چون بهاران می‌شود
از زمین خشک رویدگیه ————— چشمه جوش آب سائیده برآید
برکت ندارد درخت نارون ————— سبز گردد شاخساران کهن
گل نمیدارد بر سر سلبیده ————— پر کند بوسه خرسی گل باغ را
باز آید پرسترنه خوان ————— باز سازد در این آشیان

در این نبرد

آنچه در زیر می‌خوانید، سروده کوتاهی از یک ندائی خلق است که با نام مستعار "ره‌آورد" از تهران برای ما فرستاده شد:

در این نبرد
بیشماری از ما خواهد ماند
و بیشماری به مرگ خواهند پیوست
و اینگونه زیستن در حاکمیت جلادان
نه آنرا که رفتند از مرگ دریغی است
و نه اینانرا که ماندند بیمی است از نبرد
تا سپیده‌دمان پیروزی خلق
تهران - "ره‌آورد"

بچه‌اش صدتا هموداره

"دلی مانند کوه داره، بچه‌اش صدتا هموداره، بچه‌اش صدتا هموداره..."

مادر با چشمان اشکبارش؛ اشکبار از داغ همسر از دست رفته، برای کودکش، این یادگار هزیز، لالائی می‌خواند و به او دل‌داری می‌دهد، به او نوید می‌دهد که صدتا همودارد. هموها چه می‌کنند؟... هموهای مقیم وطن، که با گوشت و پوست خود فاجعه را لمس کرده‌اند بر حسب توانایی خود که چندان هم زیاد نیست به یاریش شتافته و می‌شتابند، اما با اوضاع امروزین ایران جهنم شده، ایران گرانی و بیگاری و مشکلات، مگر این هموها، به این خیل عظیم شهید داده، قادر به چه میزان یاری هستند؟ ما، که در خارج... انشاگریم می‌کنیم، عکس‌ها از گورهای دسته‌جمعی را به انظار جهانیان می‌رسانیم و جنایات خفاشان را عیان می‌کنیم. برای فرزندان شهید که همسایه‌امان، همشهریمان، هم مدرسه‌ایمان، هم مسلکمان، دوستانمان، فامیلیمان است، برای آن همسر شهید که اینک از کار بیگار شده و نه کار دارد و نه پول، چه کمک مادی ملموسی می‌کنیم. در نظر آورید که بسیاری از ما که امروز در خارج هستیم، اگر در ایران مانده بودیم چه بسا زندانی می‌شدیم. در زندان به فرزندانمان، به همسرمان، به اوضاع نابسامان اقتصادی آنها، می‌اندیشیدیم و نگران آنها بودیم.

..آیا در آن شرایط توقعی از دوستان، هم‌فکران، هم‌مراهمان... نداشتیم که لااقل یادگار ما را، فرزند و همسر ما را دریابند و به یاریشان بشتابند؟

آری دوستان، اگرچه آن شهیدان چنین توقعی را از ما نداشتند، اما بر ماست که مسئولانه وظیفه خود را در یاری رسانی مالی به خانواده‌های شهیدان و زندانیان سیاسی... دریابیم و بهر شکلی که می‌توانیم وظیفه خود را از همین خارج کشور انجام دهیم...

همسر شهیدی، فردای دریافت خبر شهادت همسرش، از روی ناچاری و برای آنکه کارش را از دست ندهد مجبور به رفتن سرکار شد.

همسر شهیدی تلفنی به برادرش در خارج از کشور می‌گفت که دیگر در خانه چیزی برای فروش ندارد تا خرج زندگی را بگذارد.

... که در عمل به اثبات برسانیم که: بچه‌اش صدتا هموداره!

گرانی طاقت فرسا است

است. کلیشه نوشته‌ای از یکی از این روزنامه‌ها (کیهان ۴ دیماه ۶۷) را در این صفحه مشاهده می‌کنید.

جدول زیر از یک نامه‌ارسالی از داخل گرفته شده است که بهای برخی از کالاها را در شهر ارومیه در دی ماه سال جاری نشان می‌دهد:

۱۰ ریال
۲۰۰۰ ریال
۵۰ ریال
۲۰ ریال
۱۵۰۰۰ ریال
۲۰۰۰ ریال
۳۵۰۰ ریال
۱۰۰۰۰ ریال
۴۰۰۰۰ ریال
۱۰۰ ریال
۶۰۰۰ ریال
۸۰۰۰ ریال
۲۰۰۰ ریال
۸۰ ریال
۲۰ ریال
۱۰۰ ریال

دانه‌ای
یک کیلو
دانه‌ای
دانه‌ای
هر کامیون
شاخه‌ای
یک کیلو
روزانه
ماهانه حداقل
نقری
یک کیلو
یک کیلو
یک کیلو
۱۰۰ گرمی
هر بسته
هر بسته

نان
قند و شکر
کبریت
آجر
شن
تیر آهن
آلومینیوم
مزدبنا
اجاره خانه
بلیط سینما
پسته
بادام
تخمه کدو
بستنی
شیر کاکائو
شیر پاستوریزه

عای می‌رفت با خود و اینکه گرانی، گرانتر از روز قبل بر روی کالاها نصب می‌شود. هر چند در این سال جاری پس از اعلام آتش‌سوزی سوخت اصلی فقط برای خودروی بدلالان و واسطه‌ها و ترانزیتان وارد آمد و قیمت کالاها سریعاً سقوط کرد اما به تازگی سودجویان و فرصت‌طلبان چندی است که بخوبی موافق می‌دانند از عهده ضرورتیان وارد شده برآمده و مجدداً سودهای ناانسانی می‌کنند.

به‌رشدید، آنچه در میان ما برپا است، ناآرامی حاکم می‌باشد همانا می‌توانی احساس کنی که از سوی دولت و واسطه‌ها و سودجویان اعلام می‌شود، برآمده نیز حریف آخر می‌زند و مصرف‌کننده عمده مجبور است که تحت تأثیری قیمت‌های بی‌ضابطه کالاهایی باشد که هیچگاه قادر به پرداخت آنها نیست براین رهگیر آنچه از سوی مردم اعلام می‌شود این است که چرا یک مرتبه کنترل

کیمیا
یکشنبه ۴ دی ۱۳۶۷ - ۱۵ جمادی‌الاول ۱۴۰۹

گزارش‌هایی که در پی اعلام پذیرش قطعنامه ۵۹۹ به حال مرگ افتاده بودند اینک جانی تازه کرده و حریفان از گذشته بدگمانی برداشته‌اند. در این میان هیچ ضابطه‌ای نیز برای کنترل قیمت‌ها وجود ندارد و مصرف‌کننده به‌درستی نمی‌داند اولاً تا کی باید بخوابد بی‌توانی‌ها را بخورد ثانیاً در صورت وجود تکلیف به‌کدام نهاد و سازمان و اداره مراجعه نماید و یا حرف خود را بچه کسی در میان بگذارد. آنچه در حال حاضر در بازار مصرف مشاهده می‌شود این است که قیمت‌ها زنجیر پاره کرده و افسارگسیخته همچنان پیش می‌روند کوئی سرباز ایستادن ندارد. هر روز نه می‌گذرد قیمت روز

جهانیان در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی:

ای جلاد ننگت باد! ای جلاد مرگت باد!

آلمان فدرال

شهر دارالدنبرگ:

حکومت وحشت در ایران باید پایان یابد

«با همه سازمانهای دموکراتیک ایران، از جمله سازمان فدائیان و رزیده‌هاست. خلق ایران (اکثريت)» تاکید

تظاهرات ۲۵۰ نفری در مونیخ

اتحادیه ضدفاشیستهای آلمان فدرال و ائتلاف انتخاباتی «لیست صلح» در ایالت بایرن این کشور مشترکا دعوت به تظاهراتی در مرکز شهر مونیخ در اعتراض به کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی ایران کردند. در این تظاهرات که در روز ۱۴ ژانویه برگزار شد، بیش از ۲۵۰ تن از هموطنان ما و شهروندان آزادیخواه آلمانی شرکت داشتند. در میتیگی که پس از تظاهرات مزبور برگزار شد، پتر گینگولد عضو هیات رئیسه

اتحادیه ضدفاشیستهای آلمان فدرال و ائتلاف انتخاباتی «لیست صلح» در ایالت بایرن این کشور مشترکا دعوت به تظاهراتی در مرکز شهر مونیخ در اعتراض به کشتار وحشیانه زندانیان سیاسی ایران کردند. در این تظاهرات که در روز ۱۴ ژانویه برگزار شد، بیش از ۲۵۰ تن از هموطنان ما و شهروندان آزادیخواه آلمانی شرکت داشتند. در میتیگی که پس از تظاهرات مزبور برگزار شد، پتر گینگولد عضو هیات رئیسه



فعالیت های ایرانیان و نیروهای ترقیخواه آلمان در نورنبرگ

نورنبرگ در این تظاهرات شرکت داشت. در قطعنامه تظاهرات آمده است که رژیم خمینی نیز باید مانند رژیم آفریقای جنوبی تحریم اقتصادی شود.

حزب سبزها در شهر نورنبرگ طی نامه‌ای به سفارت جمهوری اسلامی، به اعدام زندانیان سیاسی ایران اعتراض کرده و این جنایات را با جنایات نازی‌ها مقایسه کرده است. فراکسیون حزب سبزها در انجمن شهر نورنبرگ نیز طی

در روز ۲۰ دسامبر ۱۹۸۸، جمعی از ایرانیان مقیم نورنبرگ آلمان فدرال در مرکز این شهر گرد آمده، در اعتراض به قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران و نیز سکوت رسانه‌های آلمانی در این مورد دست به تظاهرات زدند. راهپیمایان در حرکت به سوی ساختمان دو روزنامه و یک رادیوی محلی، شعارهایی در محکومیت رژیم خمینی می‌دادند. خانم سوفی ریگر نماینده حزب سبزها در انجمن شهر

«من به اینجا آمده‌ام تا با شما اعلام همبستگی کنم. از طرف خود و بسیاری از مردم الدنبرگ از شما پشتیبانی می‌کنم.» حکومت وحشت در ایران باید پایان یابد. این، عملاتی است که هورست میلده، شهردار شهر الدنبرگ آلمان فدرال، هنگام مراجعه به محل اعتصاب غذای گروهی از ایرانیان مقیم این شهر علیه موج اعدام‌های اخیر بیان داشت. اعتصاب غذای شهر الدنبرگ در ایام عید میلاد مسیح در یک کلیسا برگزار شد و ۸ روز ادامه یافت. از این اعتصاب غذا، علاوه بر شهردار الدنبرگ، شخصیت‌ها و گروه‌های زیر اعلام حمایت کردند:

«میشائل باکسیر رئیس دانشگاه الدنبرگ

«دیتمار شولتز نماینده حزب سوسیال دموکرات در پارلمان آلمان فدرال

«حزب سبزها الدنبرگ

«فراکسیون حزب سبزها در شورای شهر

«کلیسای پروتستان

«اتحادیه سندیکایی آلمان - الدنبرگ

«حزب کمونیست آلمان - الدنبرگ

«فراکسیون حزب کمونیست در شورای شهر

«گروه دانشجویان کاتولیک

«گروه دانشجویان پروتستان

«۱۲ امضای دیگر نهادها و سازمانهای محلی.

اعتصاب غذای شهر الدنبرگ به دعوت کمیته دفاع از جان زندانیان سیاسی در الدنبرگ انجام گرفت.

اعتراض اتحادیه سندیکایی آلمان - کاسل

فعالین سندیکایی خود را موظف می‌دانیم علیه این قتل‌عام زندانیان سیاسی در ایران به شدیدترین وجه اعتراض کنیم. اتحادیه سندیکایی آلمان در کاسل، اعدام آزادیخواهان ایرانی را به عنوان اقدامی ضد بشری شنید و محکوم کرده و بر همبستگی خود

سازمان ولایتی اتحادیه سندیکایی آلمان (فدرال) در نامه‌ای که خطاب به خمینی و رفسنجانی نوشته است، با اشاره به اعدام‌های جمعی زندانیان سیاسی ایران خاطر نشان می‌کند: «این یک جنایت دیگر و ادامه قتل، ترور و جنگ در ایران است. ما به عنوان

فهرست اسامی ۶۰۸ تن از قربانیان کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران

فهرست پیشین مکرراً درج گردیده در فهرست این شماره با حذف موارد تکراری تدقیق شده اند، اما احساس خرسندی می کنیم که با وجود دشواری کار گردآوری اسامی شهیدان و انتشار فوری آنها، موارد نادقیق، محتاج تغییر در فهرست های پیشین، بسیار اندک بوده است. با توجه به بعد فاجعه، فهرست منتشره هنوز با فهرست کامل قربانیان قتل عام فاصله بسیاری دارد. ما برای تکمیل آن و تدقیق فهرست منتشره از خوانندگان نشریه و همه ایرانیان ضد استبداد طلب یاری می کنیم. ما هم چنین انتظار داریم در باز تکثیر این فهرست و رساندن ترجمه آن به مجامع بین المللی، رسانه ها و ... بلادرنگ عمل شود. این وظیفه ای دراز مدت است که بی وقفه باید دنبال شود. جهت تسهیل کار تکثیر فهرست منتشره در این شماره، ما کوشیدیم مجموعه اسامی در چهار صفحه گنجانده شود. به این منظور به ناچار مشخصه سازمانی شهدا به اختصار آمده است.

مجموعه زیر فهرستی از اسامی ۶۰۸ تن از شهدای قتل عام زندانیان سیاسی بدست رژیم خونخوار خمینی است که تاکنون توسط ما شناسایی شده اند. این فهرست اسامی بخشی از زندانیان سیاسی اعدام شده پس از مقطع پذیرش قطعنامه صلح را شامل می شود. آخرین مجموعه که در اکثریت ۲۳۹ منتشر گردید، اسامی ۴۴۰ تن از شهیدان را در برداشت. پس از آن در شماره های ۲۴۰ و ۲۴۱ نشریه به ترتیب اسامی ۵۶۰ و ۳۸۰ تن دیگر نیز درج گردید. بدین ترتیب تا شماره ۲۴۱ اسامی ۵۳۸ تن از قربانیان این فاجعه آمده است. طی دو هفته گذشته کوشش های ما به گردآوری اسامی باز هم بیشتری انجامید. علاوه بر این ما توانسته ایم اسامی مندرج در فهرست های پیشین را بر اساس اطلاعات تازه تدقیق و تصحیح نماییم. چند اسم که طی این فاصله پیرامون آنها اطلاعات نقیضی بدست ما رسید از فهرست کنونی حذف گردیده اند. برخی از اسامی که در گزارش های مختلف با املاهای متفاوت و یا اسامی کوچک مختلف و بعضاً به تکرار با نام سازمانی آمده بود و بناچار در

- | | | |
|---|---|---|
| ۱- یوسف آبخون (از راه کارگر) | ۴۰- اسماعیلی (مجاهد) | ۸۲- ناصر بدری |
| ۲- گل علی آتیک (توده ای) | ۴۱- حکمت اسماعیل (از کومله) | ۸۳- حبیب بدن آرا (مجاهد) |
| ۳- حسن آخر خوب (از کومله) | ۴۲- اسدالله اسمعی | ۸۴- مسعود برنجیان (مجاهد) |
| ۴- فاطمه آداب آواز | ۴۳- فاطمه افشارقی (فدایی خلق - اکثریت) | ۸۵- فریبرز براتی (مجاهد) |
| ۵- حسین آداب آواز | ۴۴- مجید اصلانی (مجاهد) | ۸۶- قاسم بستانکی |
| ۶- عصمت آداب آواز | ۴۵- سرهنگ ابو القاسم افراشی (توده ای) | ۸۷- رفوف بلدی (هنرمند نقاش) |
| ۷- حبیب آذرآز (فدایی خلق - اکثریت) | ۴۶- حمید انصاری (مجاهد) | ۸۸- خالد بلغاری (از حزب دمکرات) |
| ۸- سعید آذرنگ (توده ای) | ۴۷- دکتر محمد حسین اکبر زاده یوسفی | ۸۹- حسن بلور (از حزب دمکرات) |
| ۹- کیان آذروش (فدایی خلق - ۱۶ آذر) | ۴۸- کسری اکبری کردستانی (توده ای) | ۹۰- کامران بوئینی (مجاهد) |
| ۱۰- اصغر آراسته (فدایی خلق - اکثریت) | ۴۹- محمود اکبری (مجاهد) | ۹۱- کیومرث بوئینی (مجاهد) |
| ۱۱- شمس الله (امیر) آراین (فدایی خلق - اکثریت) | ۵۰- رضا اکرامی | ۹۲- اکبر بهزادپور (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۱۲- مهر انگیز آفاق (فدایی خلق - اکثریت) | ۵۱- بهروز اکرمی (چریک فدایی - اقلیت) | ۹۳- منوچهر بهزادی (توده ای) |
| ۱۳- سیاوش آقاچان زاده | ۵۲- اقبال فرزند سوور (اعدام شده در زندان سقز) | ۹۴- سیامک بهزادی |
| ۱۴- مصطفی آل شفیع (مجاهد) | ۵۳- ناصر الماسیان (فدایی خلق - اکثریت) | ۹۵- بهزادی (مجاهد) |
| ۱۵- مختار آوی هنگ (از کومله) | ۵۴- سیامک الماسیان (چریک فدایی - اقلیت) | ۹۶- محمود به کیش (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۱۶- مرزیه آیت الله زاده شیرازی (مجاهد) | ۵۵- حمزه الماسی (فدایی خلق - اکثریت) | ۹۷- علی به کیش (چریک فدایی - اقلیت) |
| ۱۷- اسد ابراهیمی (فدایی خلق - اکثریت) | ۵۶- کمال الیاسی (از کومله) | ۹۸- بهرام بیداریان (مجاهد) |
| ۱۸- سرگون ابراهیمی | ۵۷- پرویز الهی (فدایی خلق - اکثریت) | ۹۹- ناخدا محسن بیگلی (توده ای) |
| ۱۹- مهت ابراهیمی (فدایی خلق - اکثریت) | ۵۸- سعید امامی (مجاهد) | ۱۰۰- دکتر بیژن (چریک فدایی - اقلیت) |
| ۲۰- مصطفی ابراهیمی | ۵۹- احمد انصاری (فدایی خلق - اکثریت) | ۱۰۱- اکبر بیژنی (مجاهد) |
| ۲۱- مرزیه الله ابراهیمی گودرزی | ۶۰- محسن انصاری (مجاهد) | ۱۰۲- امیر مهران بی شم (مجاهد) |
| ۲۲- رحیم ابراهیمیان (اعدام شده در زندان ارومیه) | ۶۱- فلامر ضاویسی (توده ای) | ۱۰۳- محمد بیگدلی حسین - فدایی خلق - ۱۶ آذر |
| ۲۳- دکتر خلیل ابرقویی (توده ای) | ۶۲- مصطفی ایزدی | ۱۰۴- کمال الدین پاکدل (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۲۴- محمد احمد نژاد (اعدام شده در زندان سقز) | ۶۳- ناصر ایلیخانی (توده ای) | ۱۰۵- محمد علی پرتوی (مبارز و زندانی سیاسی) |
| ۲۵- ابوبکر احمدی | ۶۴- مجید ایرانی (چریک فدایی - اقلیت) | ۱۰۶- سرشناس دوران ستمشاهی |
| ۲۶- اشرف احمدی (مجاهد) | ۶۵- مجید باباهلی | ۱۰۷- (بهرام) پرتوی (توده ای) |
| ۲۷- جمیل احمدی - آرام - (از کومله) | ۶۶- ستار بابانژاد | ۱۰۸- اسدالله پژمان (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۲۸- پیروز احیا (فدایی خلق - اکثریت) | ۶۷- تیمور بابایی | ۱۰۹- پناهنده |
| ۲۹- ناصر اخوان اقدم (فدایی خلق - ۱۶ آذر) | ۶۸- خالد بابایی (از حزب دمکرات) | ۱۱۰- سید محمود پناهی |
| ۳۰- احمد ادیسیان (توده ای) | ۶۹- بازرگان (توده ای) | ۱۱۱- مهر داد پناهی شبستری |
| ۳۱- سیروس ادیبی (فدایی خلق - اکثریت) | ۷۰- بیژن بازرگان (از اتحادیه کمونیستها) | ۱۱۲- اسدالله پنجه شاهی |
| ۳۲- فلامر ضا دیبی (توده ای) | ۷۱- یحیی باقانی (مجاهد) | ۱۱۳- علینقی پور احمدی (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۳۳- شاهپور استواری (توده ای) | ۷۲- محمد باقی (مجاهد) | ۱۱۴- محمد پور هرمان (توده ای) |
| ۳۴- خسرو اسدی | ۷۳- بهمن باقر زاده (فدایی خلق - اکثریت) | ۱۱۵- اسماعیل پور محمدی (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۳۵- اسفندیاری (فدایی خلق - اکثریت) | ۷۴- ابوتراب باقر زاده (توده ای) | ۱۱۶- عباس پور ساحلی (مجاهد) |
| ۳۶- علیرضا اسکندری - شاهپور - فدایی خلق - اکثریت) | ۷۵- زینب باقری (مجاهد) | ۱۱۷- هوشنگ پیر نژاد |
| ۳۷- جمال اسکندری (از کومله) | ۷۶- عبد العظیم باقری (مجاهد) | ۱۱۸- بهزاد پور نوروز (مجاهد) |
| ۳۸- صمد اسلامی (فدایی خلق - اکثریت) | ۷۷- طاهر بالائی (مجاهد) | ۱۱۹- حمید تاج دینی (فدایی خلق - اکثریت) |
| ۳۹- مرتضی اسلامی (فدایی خلق - اکثریت) | ۷۸- احمد بانی چنگلو | ۱۲۰- تاجگردان |
| | ۷۹- صلاح باور نیر (از کومله) | ۱۲۱- کریم تالابی |
| | ۸۰- اسماعیل بحرینی (توده ای) | ۱۲۲- محسن تراب زاده (مجاهد) |
| | ۸۱- بخت آبادی | |

- ۱۲۳- احمد ترابی (مجاهد)
 ۱۲۴- علیرضا تغید (از راه کارگر)
 ۱۲۵- تقوی
 ۱۲۶- ۱۳۰- عضو خانواده تقی زاده
 ۱۳۱- علی توتونچیان
 ۱۳۲- توشزی (مجاهد)
 ۱۳۳- ابراهیم توکل (مجاهد)
 ۱۳۴- جابر تهران کعبی
 ۱۳۵- ثابتی (مجاهد)
 ۱۳۶- فریدثانی
 ۱۳۷- ثابتیان
 ۱۳۸- احمد ثقلینی - بهرام بهتاش - (فدایی خلق - اکثریت)
 ۱۳۹- دکتر جعفر جاویدنر (توده‌ای)
 ۱۴۰- جلیل جباری (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۴۱- مولاجبلی (مجاهد)
 ۱۴۲- ابوبکر جدیدالاسلام (توده‌ای)
 ۱۴۳- عباس جعفری
 ۱۴۴- حسن جلالی (توده‌ای)
 ۱۴۵- محمدرضا جلالی فر (توده‌ای)
 ۱۴۶- اسماعیل جمیلی (توده‌ای)
 ۱۴۷- قاسم جوان شجاع (مجاهد)
 ۱۴۸- حسین جودت (توده‌ای)
 ۱۴۹- جعفر جهانگیری (چریک فدایی اقلیت)
 ۱۵۰- ابراهیم چاوشی
 ۱۵۱- فریبا چنگیزی (مجاهد)
 ۱۵۲- ابراهیم چوبدار (مجاهد)
 ۱۵۳- محمد حاتمی
 ۱۵۴- هدایت الله حاتمی (توده‌ای)
 ۱۵۵- امیر حاتمی (مجاهد)
 ۱۵۶- امیر حسین حاج محسن
 ۱۵۷- فرهاد حاج میرزایی (از کومه)
 ۱۵۸- اسحاق حاج ملکی (توده‌ای)
 ۱۵۹- لیلی حاجیان نژاد (مجاهد)
 ۱۶۰- مجازی
 ۱۶۱- نادر حبیبی فولاد کلاهی (فدایی خلق - اکثریت)
 ۱۶۲- عباس حمیری بجمستانی (توده‌ای)
 ۱۶۳- محسن حریری (مجاهد)
 ۱۶۴- منصور حریری (مجاهد)
 ۱۶۵- محمود حسن پور اصل (فدایی خلق - اکثریت)
 ۱۶۶- ابراهیم حسن پور شیرازی (توده‌ای)
 ۱۶۷- مهدی مصنی پاک (توده‌ای)
 ۱۶۸- حسن حسن پور (از کومه)
 ۱۶۹- محسن حسین نژاد
 ۱۷۰- شفیق حسین پور (توده‌ای)
 ۱۷۱- رحیم حسین پور رودسری (از راه کارگر)
 ۱۷۲- محمد حسین خانی (توده‌ای)
 ۱۷۳- حمید حسینی
 ۱۷۴- پرویز حسینی (چریک فدایی اقلیت)
 ۱۷۵- محمود حسینی
 ۱۷۶- امیر حسین حسینی (مجاهد)
 ۱۷۷- فلام حق بیان (از کومه)
 ۱۷۸- حسن حقیقت (مجاهد)
 ۱۷۹- عبدالعلی حقیقیان رودسری (مجاهد)
 ۱۸۰- حمید حق منیع (مجاهد)
 ۱۸۱- ناصر حلیمی اصل (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۸۲- علی تقی حمیدیان
 ۱۸۳- ناهید حوائجی (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۸۴- حیاتی (چریک فدایی اقلیت)
 ۱۸۵- احمد حیدرزاده (توده‌ای)
 ۱۸۶- شهریار حیدری (از کومه)
- ۱۸۷- ظفر حیدری
 ۱۸۸- کریم حیدر نژاد
 ۱۸۹- علی خاتونی (از کومه)
 ۱۹۰- محمدتقی خاشع (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۹۱- تقی خان (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۹۲- حسین خانیاپور (فدایی خلق اکثریت)
 ۱۹۳- اسعد خاموشی
 ۱۹۴- حمید خاورپور (مجاهد)
 ۱۹۵- خدامراد (مجاهد)
 ۱۹۶- جمشید خردوزی (از کومه)
 ۱۹۷- طاهره خسرو آبادی
 ۱۹۸- پرویز خسروی (چریک فدایی اقلیت)
 ۱۹۹- خسرو خسروی
 ۲۰۰- مهر داد خسروی (مجاهد)
 ۲۰۱- مصطفی خضری (اعدام شده در زندان سبز)
 ۲۰۲- ابوالحسن خطیب (توده‌ای)
 ۲۰۳- اکبر خطیبی (توده‌ای)
 ۲۰۴- خضابی
 ۲۰۵- شهریار خلیقی (مجاهد)
 ۲۰۶- خشایار خواجهیان - فرامرز (فدایی خلق - اکثریت)
 ۲۰۷- حمید خواجهگیری (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۰۸- حسن خوانساری (مجاهد)
 ۲۰۹- کاظم خوشابی (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۱۰- کاظم خوشدل
 ۲۱۱- کریم خوشی تفتلق (از کومه)
 ۲۱۲- فرزاد دادگر (توده‌ای)
 ۲۱۳- دادمزی (توده‌ای)
 ۲۱۴- بهرام دادور (توده‌ای)
 ۲۱۵- اسدالله داریک بندی
 ۲۱۶- ابراهیم داناوی
 ۲۱۷- دکتر احمد دانش شریعت پناهی (توده‌ای)
 ۲۱۸- بهرام دانش (توده‌ای)
 ۲۱۹- منصور داوران (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۲۰- محمدتقی داهودی (مجاهد)
 ۲۲۱- ۲۲۵- عضو خانواده داوودی
 ۲۲۶- حسین درویدیان (مجاهد)
 ۲۲۷- سیدلاروش کهن (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۲۸- محمد دریاباری (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۲۹- حسن دشت آرا (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۳۰- منصور دلال زاده
 ۲۳۱- رضا دللور
 ۲۳۲- محسن دلیجانی (توده‌ای)
 ۲۳۳- علی رضادلیلی (توده‌ای)
 ۲۳۴- محمد رضادلیلی (توده‌ای)
 ۲۳۵- لیلی دلیلی (مجاهد)
 ۲۳۶- حمید دوست محمدی
 ۲۳۷- علی رضادولتی (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۳۸- احمد دهنادی
 ۲۳۹- فتح الله دیانت (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۴۰- محمد حسن (منصور) دیانک شوری
 ۲۴۱- (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۴۲- حمید دین خواه (از راه کارگر)
 ۲۴۳- اسماعیل ذوالقدر (توده‌ای)
 ۲۴۴- پرویز ذوالفقاری
 ۲۴۵- اصغر رادمنش (مجاهد)
 ۲۴۶- راستاک (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۴۷- محسن راسخ (توده‌ای)
 ۲۴۸- شهریار راضی (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۴۹- تیمور راوندی (توده‌ای)
- ۲۵۰- طغان ربیعی (توده‌ای)
 ۲۵۱- جمشید رستمی (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۵۲- محمدرضا رجایی فر (توده‌ای)
 ۲۵۳- محمدرجایی مند (توده‌ای)
 ۲۵۴- رجب پور (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۵۵- دختری بانام خانوادگی رجایی (مجاهد)
 ۲۵۶- خسرو رجایی
 ۲۵۷- صلاح رجایی (از کومه)
 ۲۵۸- رحمتیان
 ۲۵۹- خسرو رحیم زادگان
 ۲۶۰- حسین رحیمی پور (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۶۱- احمد رحیمی
 ۲۶۲- هسگر رحیمی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۲۶۳- محمدرزاقی
 ۲۶۴- آصف رزم دیده (توده‌ای)
 ۲۶۵- پرویز رستم علی پور (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۶۶- جمشید رستمی (چریک فدایی اقلیت)
 ۲۶۷- بهزاد رشیدی
 ۲۶۸- روشن زاده
 ۲۶۹- احمد علی رصی (توده‌ای)
 ۲۷۰- جمال رضایی (از کومه)
 ۲۷۱- احمد رضایی (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۷۲- شاهرخ رضایی
 ۲۷۳- رضائیان
 ۲۷۴- منوچهر رضایی (مجاهد)
 ۲۷۵- بهزاد رمزی
 ۲۷۶- سعید رمضان لو (مجاهد)
 ۲۷۷- حسین روزبهانی (مجاهد)
 ۲۷۸- عادل روزدار (توده‌ای)
 ۲۷۹- رودری
 ۲۸۰- حکیمه ریزی بندی (مجاهد)
 ۲۸۱- محمدریاحی (از راه کارگر)
 ۲۸۲- جعفر ریاحی (از راه کارگر)
 ۲۸۳- محمود رئیسی و همسرش زهره
 ۲۸۴- فاطمه زارعی (مجاهد)
 ۲۸۵- عزت الله زارع (توده‌ای)
 ۲۸۶- کیومرث زرشناص (توده‌ای)
 ۲۸۸- بهمن زکی (توده‌ای)
 ۲۸۹- بهزاد زکی
 ۲۹۰- علی زمریدیان (از سازمان پیکار)
 ۲۹۱- زمانی (توده‌ای)
 ۲۹۲- زنجانی
 ۲۹۳- محمود زندی (فدایی خلق اکثریت)
 ۲۹۴- موشنگ زندی (از کومه)
 ۲۹۵- شهین سامی (مجاهد)
 ۲۹۶- حبیب سالیانی
 ۲۹۷- تهمینه ستوده
 ۲۹۸- اسماعیل سجادیان (مجاهد)
 ۲۹۹- منوچهر صرحدی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۳۰۰- علی سعیدی
 ۳۰۱- مهری سلامی (چریک فدایی اقلیت)
 ۳۰۲- رسول سلجوقی
 ۳۰۳- سوهان آجینی (مجاهد)
 ۳۰۴- دکتر مهدی سلیمانی (توده‌ای)
 ۳۰۵- عباس سلیمی (از زندگان)
 ۳۰۶- سلیمانی روزبهانی (مجاهد)
 ۳۰۷- شهریار سنجابی (مجاهد)
 ۳۰۸- حسین سیاق پور (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۳۰۹- سیاوش پور
 ۳۱۰- حسین سیاه تلم
 ۳۱۱- کمال سیدمرادی (از کومه)
 ۳۱۲- جمال سیدمرادی (از کومه)

۴۱۴ - زهر اسیدی سیاه اسطوخی (مجاهد)
 ۴۱۴ - مجید سیمباری (از راه کارگر)
 ۴۱۵ - مصطفی شادمانی (چریک فدایی - اقلیت)
 ۴۱۶ - اکبر شاکری (مجاهد)
 ۴۱۷ - بهمن شاکری
 ۴۱۸ - مجید شاه حسینی (مجاهد)
 ۴۱۹ - ناصر شاهسون
 ۴۲۰ - بهروز شاهای مقتی (مجاهد)
 ۴۲۱ - علی شبانی (توده‌ای)
 ۴۲۲ - چنگیز شریفی (مجاهد)
 ۴۲۳ - پرویز شریفی
 ۴۲۴ - اصغر شریفی
 ۴۲۵ - ژاله شریفی (مجاهد)
 ۴۲۶ - شریعت (مجاهد)
 ۴۲۷ - ابراهیم شعبانی
 ۴۲۸ - جبار شعبانی (مجاهد)
 ۴۲۹ - سروان شفیعی پور
 ۴۳۰ - سیامک شکوهی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۳۱ - مجید شمس (مجاهد)
 ۴۳۲ - سرگرد در حیم شمس (توده‌ای)
 ۴۳۳ - شهبازی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۳۴ - علی شهبازی (توده‌ای)
 ۴۳۵ - حسن شهیدی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۳۶ - محمدرضا شهیدانتخاب
 ۴۳۷ - بیژن شیروانی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۳۸ - اکبر صادقی بناب (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۳۹ - ابوالحسن صادقی (مجاهد)
 ۴۴۰ - بدالله صادقی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۴۱ - فریبرز صالحی (توده‌ای)
 ۴۴۲ - مهرداد صالحی
 ۴۴۳ - رضا صالحی (مجاهد)
 ۴۴۴ - احمد صالحی
 ۴۴۵ - نادر صبری
 ۴۴۶ - عبدالعظیم صبوری (چریک فدایی - ارتش)
 ۴۴۷ - رمایی بخش
 ۴۴۸ - احمد صبوری
 ۴۴۹ - حسن صداقت پور
 ۴۵۰ - جعفر صدای وطن (توده‌ای)
 ۴۵۱ - شاهین صدای وطن (توده‌ای)
 ۴۵۲ - حسین صدایی اشکوری - اقدامی (فدایی)
 ۴۵۳ - علی صدایی اشکوری (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۵۴ - کمال صدرزاده (رنجبران)
 ۴۵۵ - صدیق - اعدام شده در زندان نشتارود - (مجاهد)
 ۴۵۶ - حسن صراف پور (توده‌ای)
 ۴۵۷ - صفی (مجاهد)
 ۴۵۸ - کاوه صفا (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۵۹ - صفاری (مجاهد)
 ۴۶۰ - بیژن صدرین (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۱ - صفاتیان (مجاهد)
 ۴۶۲ - حسین صفوی نیا (توده‌ای)
 ۴۶۳ - حمید صفوی
 ۴۶۴ - نادر صلواتی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۵ - لهراسب صلواتی (از راه کارگر)
 ۴۶۶ - علیرضا صلواتی خوش قلب
 ۴۶۷ - مهران صمدزاده
 ۴۶۸ - فرامرز صوفی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۹ - محسن صیرفی نژاد (توده‌ای)
 ۴۷۰ - علی اصغر ضیفی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۷۱ - عادل طالبی (از راه کارگر)
 ۴۷۲ - مسعود طاهتی زاده (چریک فدایی اقلیت)

۴۷۳ - حمید طاهری (چریک فدایی اقلیت)
 ۴۷۴ - بهرام طاهری پور (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۷۵ - صفی طاهری و همسرش (مجاهد)
 ۴۷۶ - انوشه طاهری (توده‌ای)
 ۴۷۷ - محمدرضا طباطبائی طبری (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۷۸ - سعید طباطبائی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۷۹ - آزاده طیب (مجاهد)
 ۴۸۰ - عبدالهاشم عادل (چریک فدایی اقلیت)
 ۴۸۱ - ظهیر الاسلام (مجاهد)
 ۴۸۲ - مهرداد طاطبی (مجاهد)
 ۴۸۳ - محمدجواد عباسی (مجاهد)
 ۴۸۴ - عباس پور (از آلمان مستضعفین)
 ۴۸۵ - عبدالعسین (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۸۶ - عمر عبدالله پور (اعدام شده در ارومیه)
 ۴۸۷ - بهزاد عبدالمی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۸۸ - باقی عثمانی
 ۴۸۹ - عرب وزیری
 ۴۹۰ - منصور هسگری (فدایی اکثریت)
 ۴۹۱ - ناصر عطایی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۲ - فضیلت علامه
 ۴۹۳ - مسعود علایی خستو (مجاهد)
 ۴۹۴ - محمود علیزاده (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۹۵ - مهدی هجاری (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۶ - احمد میوضی
 ۴۹۷ - قفاری
 ۴۹۸ - محسن فیاثوند (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۹ - دکتر سیف الله فیاثوند (توده‌ای)
 ۵۰۰ - فیور
 ۵۰۱ - حبیب الله فاتمی کر جو (از کومله)
 ۵۰۲ - جلال فتاحی (چریک فدایی اقلیت)
 ۵۰۳ - حسین فارسی (مجاهد)
 ۵۰۴ - حسن فارسی (مجاهد)
 ۵۰۵ - نیره فتمعلی
 ۵۰۶ - جهانگیر فتحی (فدایی خلق اکثریت)
 ۵۰۷ - رحمت فتحی (چریک فدایی اقلیت)
 ۵۰۸ - علی فتحی
 ۵۰۹ - مهرداد فرجاد آزاد (توده‌ای)
 ۵۱۰ - فرج پور
 ۵۱۱ - مهرداد فرزانه ثانی (مجاهد)
 ۵۱۲ - داوود فرهی
 ۵۱۳ - عباس فرهمندیان
 ۵۱۴ - محمدفرمند (مجاهد)
 ۵۱۵ - خانمی بانام خانوادگی فلاحتی
 ۵۱۶ - فانی فر
 ۵۱۷ - فولادی (مجاهد)
 ۵۱۸ - رضانیا پور
 ۵۱۹ - سوسن فیز شندی
 ۵۲۰ - صلاح فیضی (از کومله)
 ۵۲۱ - عباس فیروزی (مجاهد)
 ۵۲۲ - اصغر قباقلو (توده‌ای)
 ۵۲۳ - زمانه قادری (از کومله)
 ۵۲۴ - محی الدین قادری (اعدام شده در زندان سقز)
 ۵۲۵ - حسین قاسم نژاد (فدایی خلق اکثریت)
 ۵۲۶ - عباس قاسمی ملایی (فدایی خلق اکثریت)
 ۵۲۷ - حسن قاسمی پور (فدایی خلق اکثریت)
 ۵۲۸ - سلمان قاسمی
 ۵۲۹ - علیرضا قاسمی
 ۵۳۰ - رامین قاسمی (مجاهد)
 ۵۳۱ - مهر قاضی (از حزب دموکرات)
 ۵۳۲ - جواد قائم آبادی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۵۳۳ - مرزیه قبادیان

۴۳۴ - حمید قبادیان
 ۴۳۵ - هوشنگ قربان نژاد (توده‌ای)
 ۴۳۶ - نیر قربان پور
 ۴۳۷ - زین العابدین قربانی
 ۴۳۸ - بهرام قربانی (مجاهد)
 ۴۳۹ - داوود قریبی (توده‌ای)
 ۴۴۰ - ابوالفضل قریبی
 ۴۴۱ - رضاقریبی لنگرودی (از رزمندگان)
 ۴۴۲ - همت قلاوند (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۴۳ - حسین قلم بر (توده‌ای)
 ۴۴۴ - اصغر قلم گری افشاری
 ۴۴۵ - محمود قلی پور (مجاهد)
 ۴۴۶ - صهمن قنبری (توده‌ای)
 ۴۴۷ - ساسان قندی (توده‌ای)
 ۴۴۸ - اسفندیار قاسمی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۴۹ - داریوش کاندپور (از رزمندگان)
 ۴۵۰ - سعید کاظمی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۵۱ - زین العابدین کاظمی (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۵۲ - هوشنگ کامرانی میهنی
 ۴۵۳ - کفاش پور
 ۴۵۴ - اسماعیل کریم زاده
 ۴۵۵ - کریمی (مجاهد)
 ۴۵۶ - کریمی نژاد (مجاهد)
 ۴۵۷ - کریمیان (دو خواهر)
 ۴۵۸ - شهاب کلاهی قوچی (از کومله)
 ۴۵۹ - رضا کمپانی (توده‌ای)
 ۴۶۰ - حسن کوچکی
 ۴۶۱ - محمد کوسه چی (مجاهد)
 ۴۶۲ - مختار کهنسال - محبت (مجاهد)
 ۴۶۳ - باقر کهنه‌ای (مجاهد)
 ۴۶۴ - کورش کیلاشکی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۵ - سیمیندخت کیانی دهکردی (مجاهد)
 ۴۶۶ - سهراب کیانی
 ۴۶۷ - علیرضا کیایی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۶۸ - صدکی خواه (مجاهد)
 ۴۶۹ - مهدی کیهان (توده‌ای)
 ۴۷۰ - هدیه گرافیان
 ۴۷۱ - منوچهر گرم رودی
 ۴۷۲ - گرجی (مجاهد)
 ۴۷۳ - عطیه گزان (از کومله)
 ۴۷۴ - رضا گلپایگانی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۷۵ - گلپایگانی (مجاهد)
 ۴۷۶ - کامبیز گل چوبیان (فدایی خلق - ۱۶ آذر)
 ۴۷۷ - علی گلچین (مجاهد)
 ۴۷۸ - مریم گلزاده غفوری
 ۴۷۹ - فیض الله گلی
 ۴۸۰ - حسن گودرزی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۸۱ - میرزا گودرزی (مجاهد)
 ۴۸۲ - حسن گودل (اعدام شده در ارومیه)
 ۴۸۳ - رسول گیوه خان
 ۴۸۴ - لامعی (توده‌ای)
 ۴۸۵ - محمدجواد لاهیجانیان (توده‌ای)
 ۴۸۶ - حمداالله لری (چریک فدایی - اقلیت)
 ۴۸۷ - خلیل لطف الله زاده (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۸۸ - خانمی به نام لطیفی
 ۴۸۹ - حسن لنگرودی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۰ - مسعود لولاسانی
 ۴۹۱ - عبدالله لیجایی (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۲ - سعید متین (فدایی خلق اکثریت)
 ۴۹۳ - مدرسی (مجاهد)



- ۴۹۵- اسماعیل مجملی (توده‌ای)
۴۹۶- اصغر محبوب (توده‌ای)
۴۹۷- حمزه محبوب (مجاهد)
۴۹۸- مجتبی محسنی (فدایی خلق - ۶ آذر)
۴۹۹- رضامحسن آبادی
۵۰۰- رفعت محمدزاده - مسعود اخگر (توده‌ای)
۵۰۱- صابر محمدزاده (توده‌ای)
۵۰۲- جمال محمدنژاد (مجاهد)
۵۰۳- علیرضا محمدی کمیجانی (فدایی خلق - اکثریت)
۵۰۴- محبت الله محمدی (توده‌ای)
۵۰۵- محمدرضا محمدی بهمن آبادی (مجاهد)
۵۰۶- مریم محمدی بهمن آبادی (مجاهد)
۵۰۷- محمدی زاده
۵۰۸- محمودزاده (مجاهد)
۵۰۹- عبدالاحد محمودی فر (مجاهد)
۵۱۰- بندعلی مرادی پور (فدایی خلق - اکثریت)
۵۱۱- علی مرادی (از کومله)
۵۱۲- رضامرادیان
۵۱۳- توأم مرادی (مجاهد)
۵۱۴- بهروز مریدی (مجاهد)
۵۱۵- محمد مرتضوی (فدایی خلق - اکثریت)
۵۱۶- مصطفی مرادانی (مجاهد)
۵۱۷- کامران مریوانی (مجاهد)
۵۱۸- مسعودی فر
۵۱۹- خانمی بانام مسیحا (مجاهد)
۵۲۰- محمود مشتاقیان (مجاهد)
۵۲۱- محمدرضا مشاط (مجاهد)
۵۲۲- تاسم مشکوری (مجاهد)
۵۲۳- کیوان مصطفوی
۵۲۴- دگتر مریم مصطفوی (مجاهد)
۵۲۵- اصغر مصفا (فدایی خلق - اکثریت)
۵۲۶- سعید مظاهری (مجاهد)
۵۲۷- مهر داد مطلق (فدایی خلق - ۶ آذر)
۵۲۸- سهراب مطلق
۵۲۹- حمید معصومی
۵۳۰- رضامعظمی (فدایی خلق - اکثریت)
۵۳۱- معلم (توده‌ای)
۵۳۲- هیت معینی چاقروند - همایون (فدایی خلق - ۶ آذر)
۵۳۳- عطامعینی (از راه کارگر)
۵۳۴- حمیدرضا مفرد ظاهری (چریک فدایی اقلیت)
۵۳۵- پیمان مقبلی
۵۳۶- مسعود مقبلی (مجاهد)
۵۳۷- علیرضا مقدم (مجاهد)
۵۳۸- بیژن مکوندی
۵۳۹- سیامک ملکی (فدایی خلق - اکثریت)
۵۴۰- علی ملکی (اعدام شده در زندان سقز)
۵۴۱- حمید منتظری (فدایی خلق - اکثریت)
۵۴۲- عباسعلی منشی رودسری (فدایی خلق - اکثریت)
۵۴۳- کمال الدین منصوریان (مجاهد)
۵۴۴- منصوری کولی (مجاهد)
۵۴۵- اصغر منوچهر آبادی (توده‌ای)
۵۴۶- مجید منیری (توده‌ای)
۵۴۷- اسماعیل موسایی (از پیکار)
۵۴۸- رسول موسوی
۵۴۹- مسگر موسوی (فدایی خلق - ۶ آذر)

- ۵۵۰- منصور موسوی (از رزمندگان)
۵۵۱- کیوان مهاجر (از کومله)
۵۵۲- نادر مهربان (توده‌ای)
۵۵۳- مهدیون
۵۵۴- کیوان مهشید (توده‌ای)
۵۵۵- خالد میرابی
۵۵۶- میزرا محمد میرزا محمدی
۵۵۷- کورس میرزایی
۵۵۸- کورش میرزایی
۵۵۹- اکبر میرزایی (فدایی خلق - اکثریت)
۵۶۰- شهناز میرزایی (مجاهد)
۵۶۱- لطفعلی میرساردو (مجاهد)
۵۶۲- مهر داد میرهاشمی
۵۶۳- فرج الله میزانی جوانشیر (توده‌ای)
۵۶۴- حمید میکانیل (مجاهد)
۵۶۵- کریم نادری (فدایی خلق - اکثریت)
۵۶۶- منوچهر نادری (مجاهد)
۵۶۷- امیر هوشنگ ناظمی نیک آئین (توده‌ای)
۵۶۸- مصطفی نجاری نژاد صواتی (فدایی خلق اکثریت)
۵۶۹- منصور نجفی شوشتری (از وحدت کمونیستی)
۵۷۰- حسن نصارا
۵۷۱- فرشید نصرتی (مجاهد)
۵۷۲- سید محمد نظامی
۵۷۳- نظری
۵۷۴- کمال نظری مقدم (از کومله)
۵۷۵- صبا نظیر مقدم (مجاهد)
۵۷۶- نظر نظیر مقدم
۵۷۷- بیژن نعمان پور (از سازمان پیکار)
۵۷۸- موسی نعمتی (مجاهد)
۵۷۹- حسن نوربخش (فدایی خلق - اکثریت)
۵۸۰- ناصر نوروزی
۵۸۱- یدالله نوری فر (فدایی خلق - اکثریت)
۵۸۲- پروانه نور محمدیان (مجاهد)
۵۸۳- صالح نور محمدیان (مجاهد)
۵۸۴- بهرام نیک آفرین (فدایی خلق - اکثریت)
۵۸۵- همایون نیک پور فرخ (مجاهد)
۵۸۶- اسفندیار نیک منش (فدایی خلق - ۶ آذر)
۵۸۷- علی نیکنام (مجاهد)
۵۸۹- زهرانی کواقبال
۵۹۰- توفیق وثوقی (فدایی خلق - اکثریت)
۵۹۱- محمد جعفر وثوقی (فدایی خلق اکثریت)
۵۹۲- کبری وریشتی (مجاهد)
۵۹۳- محمد ولید
۵۹۴- اسماعیل وطن خواه (توده‌ای)
۵۹۵- محسن وطن خواه (توده‌ای)
۵۹۶- ناصر هادی (از کومله)
۵۹۷- رحیم هاتفی
۵۹۸- هاوشکویه
۵۹۹- پرویز همایونی
۶۰۰- کاظم همدانیان (فدایی خلق - اکثریت)
۶۰۱- جعفر هوشمند
۶۰۲- خلیل هوشیاری (فدایی خلق - اکثریت)
۶۰۳- محمود هوشی
۶۰۴- بهمن یزدانیان (فدایی خلق - اکثریت)
۶۰۵- یگانگی (مجاهد)
۶۰۶- مسام یگانه (فدایی خلق - اکثریت)
۶۰۷- داریوش یوسفی (فدایی خلق - اکثریت)
۶۰۸- بهروز یوسف پور (فدایی خلق - اکثریت)
۶۰۹-
۶۱۰-
۶۱۱-
۶۱۲-

جهانیان در اعتراض به کشتار زندانیان سیاسی

بقیه از صفحه ۶

نامه‌هایی به رسانه‌های گروهی این شهر خواهان بازتاب وسیع تراخبار مربوط به جنایات رژیم خمینی شده‌اند.

"کمیته علیه جنگ ایران و عراق - نورنبرگ" در نامه‌ای به گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال به سفر وی به تهران اعتراض کرد.

همین کمیته، جنایات اخیر رژیم خمینی را در نامه‌ای به سفارت رژیم خمینی محکوم کرده و نوشته است: "به جای عفو عمومی زندانیان سیاسی که وعده داده بودند، دست به اعدام عمومی زده‌اند. ما این اقدام را به عنوان جنایت علیه بشریت و علیه حقوق بشر محکوم می‌کنیم."

حرکت مشترک در آرولسن

در شهر آرولسن آلمان فدرال، روز ۱۵ دسامبر ۱۹۸۸ حرکت مشترکی از سوی جمعی از هموطنان ما علیه کشتار زندانیان سیاسی ایران سازمان یافت. در این تظاهرات، شرکت کنندگان که شامل ایرانیان و افراد متعلق به

ملیت‌های دیگر می‌شدند، با در دست داشتن پلاکاردهایی توجه مردم را به جنایات رژیم خمینی برانگیختند. خبر حرکت مشترک آرولسن، در روزنامه سراسری "تاتس" چاپ برلین قریب منتشر شد.

سخنرانی در روز حقوق بشر

ترتیب یافته بود، شرکت کرده در سخنانی به تشریح کشتار زندانیان سیاسی ایران پرداختند. خبر مربوط به این سخنرانی، در یک روزنامه محلی شهر بازتاب یافت.

ایرانیان مقیم "اولتسن" در ایالت نیدرزاکسن آلمان فدرال با شرکت در مراسمی که از سوی گروه سازمان عفو بین‌الملل در این شهر به مناسبت روز حقوق بشر

تظاهرات هواداران سازمان در گائانائو

همبستگی مردم شهر را با مبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی برانگیختند. به ویژه هکس‌های گور جمعی خاوران، رهگذران را با گوشه‌ای از ددمنشی‌های خمینی، آشنا کرد.

شهر گائانائو (آلمان فدرال) در روز ۱۷ دسامبر شاهد تظاهرات ایستاده چندتن هوادار سازمان مقیم این شهر کوچک علیه فاجعه کشتار زندانیان سیاسی ایران بود. شرکت کنندگان در این تظاهرات با افشای جنایات خمینی،

سوئد

ایرانیان مقیم اوئو: خمینی، تنگت باد!

ایرانیان مقیم شهر اوئو سوئد با تشکیل نهادی بنام "کمیته

مذاکرات...

بقیه از صفحه اول

چشم‌انداز می‌بیند که دنبال کردن قضایا را به نماینده خود واگذار کرده است. ادامه حالت نه جنگ و نه صلح، قبل از هر چیز به رژیم خمینی امکان می‌دهد تا فلاکت اقتصادی را به بهانه این وضع توجیه کند. هر چند دیگر بمب و موشک به سر مردم نمی‌بارد و سلاحها فعلا خاموشند، اما برای مردم ما وضعیت جنگی ادامه

دارد: کمبود، خاموشی، سرما، گرانی و هشتناک، سر بازگیری... فراموش شدن مذاکرات صلح، برای مردم، به معنای ادامه این فلاکت و طغریه رفتن رژیم از پاسخ به حداقل خواست‌های آنهاست. نگذاریم کار را به "مذاکرات فراموش شده" بکشانند. مردم صلح پایدار می‌خواهند. حالت نه جنگ و نه صلح فقط به کار آخوندها و "تجار محترم" می‌آید. برای صلح پایدار مبارزه کنیم.

رادیو تلویزیون و مطبوعات سوئد منتشر شد. نیروهای سیاسی ترقیخواه شهر اوئو مانند حزب چپ کمونیستها، جوانان کمونیست، سوسیال‌دمکراتها، جوانان سوسیال‌دمکرات، حزب مردم، حزب مرکز، سندیکای کارگری، حزب سوسیالیست، حزب سبزها، حزب کمونیست (مارکسیست - لنینیست انقلابی)، کمیته صلح، حزب کمونیست کارگری، مسئول دفتر سازمان ملل، انجمن فنلاندی‌ها و انجمن کردها از این تظاهرات حمایت کردند.

مشترک دفاع از حقوق بشر در ایران "راهپیمایی موفقی در این شهر علیه کشتار زندانیان سیاسی سازمان دادند. در روز جمعه ۱۳ ژانویه، بیش از ۱۵۰ نفر که در این تظاهرات شرکت کرده بودند، با در دست داشتن مشعل‌هایی و دادن شعار به زبانهای فارسی و سوئدی، از افکار عمومی سوئد خواستند به رژیم ددمنش خمینی اعتراض کنند. در میدان اصلی شهر اوئو، قطعنامه پایانی تظاهرات قرائت شد.

خبر راهپیمایی اوئو، در

استرالیا

اعدامهارا در ایران متوقف کنید!

روز پنج‌شنبه ۱۹ ژانویه تظاهراتی علیه قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران برگزار کردند. کمیته همبستگی بازندانان سیاسی ایران و حزب سوسیالیست استرالیا نیز از این تظاهرات حمایت کردند.

روز سه‌شنبه ۱۷ ژانویه، به دعوت گروهی از نیروهای ترقیخواه استرالیایی، از جمله "اسپار تاکسیست‌ها"، تظاهراتی در ملبورن در اعتراض به اعدام‌های جنایتکارانه زندانیان سیاسی صورت گرفت. در این تظاهرات در حدود ۶۰ نفر شرکت داشتند. کمیته پناهندگان ایرانی، اتحادیه کارگران ترک در استرالیا، کمیته دفاع از حقوق بشر در ترکیه و حزب سوسیالیست آزادیخواه از جمله پشتیبانان این تظاهرات بودند. اسپار تاکسیست‌ها در سیدنی نیز

به دعوت کمیته همبستگی بازندانان سیاسی ایران، سیدنی در روز شنبه ۲۸ ژانویه شاهد تظاهراتی علیه قتل‌عام زندانیان سیاسی ایران بود که هنوز گزارش مشروح آن به دست ما نرسیده است.

کمک‌های مالی رسیده

سوئد

یکی از دوستان سازمان "به یاد ابرام" به یاد رفیق شهید ماشالله دشتیاری
یاشار-۸۸ از گوتنبرگ
بابک-۴۴ از گوتنبرگ
سیاوش از مالمو برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی

فرانسه

توماج
مسعود
برای صلح
پویا
به یاد انوش
برای کمک به واحدهای فدائی داخل کشور

آمریکا

برای کمک به واحدهای فدائی داخل کشور از لوس آنجلس ۵۳۰ دلار
برای کمک به واحدهای فدائی داخل کشور از لوس آنجلس ۱۰۰ دلار
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی سحر از فلوریدا ۴۲/۷۵ دلار
برای کمک به خانواده زندانیان سیاسی از واشنگتن دی‌سی ۱۵۰ دلار

دانمارک

برای همبستگی با خانواده شهدای زندانیان سیاسی ۱۰۰۰۰۰ کرون

این فجایع را می خواهند با بوق و کرنای تبلیغاتی و چوبه های دارا زمین بردارند!

بقیه از صفحه آخر



همه معتادند. بزرگترینشان شاید ۷ ساله باشد.

توزیع کنند و بعد معتاد و سپس به فحشا کشیده شده بود. نمونه های مانداین زیاد دیده می شود. اغلب این خانواده هایی که معتادند، پس از گذشت زمان، وقتی پول ندارند و خودشان قابل عرضه و استفاده نیستند، دختر بچه شان را می فروشند. از سویی به خاطر وجود همین زنجره فقر و اعتیاد و فحشا، مساله بهداشت در سطح پایینی است. شپش فراوان است. ما از توی بدن دانشجوی پزشکی، از توی بدن دانشجوی دانشکده کشاورزی، یک نوع شپش به نام خرچنگی در آوریم که مخصوصا در قسمت آلت تناسلی کانال می زند و عامل تیغوس است... (کیهان ۲۹ دی)

توطئه

"استکبار جهانی"؟

گسترش اعتیاد در ایران، به چنان معضلی تبدیل شده است که رژیم نمی تواند در قبال آن بی تفاوت باشد. رژیم برای پوشاندن نقش اصلی خویش در گسترش اعتیاد، این پدیده را به "استکبار جهانی" نسبت می دهد، همانگونه که جنگ را به "استکبار جهانی" نسبت می داد، اما ستون اصلی آن پدیده ای که همه مفاصل جامعه ما بدان نسبت داده می شود، خود رژیم است. نفس وجود نظام جمهوری اسلامی با جنگ، فقر، بیکاری، اعتیاد و انواع و اقسام فساد در آمیخته است. قاچاقچیان همده در پناه نقماینده

فضای اتاق می باشد، اشاره می کند و چنین ادامه می دهد: این فضای ماست. از توی زباله ها آن را پیدا کرده ایم، چون چیز دیگری نداریم که بخوریم این ها را خورده و مریض شدم.

راستهای ما به وی رو کرده می گوید: زخمهای رانشان بده. و سپس با اشاره به زخمها در گوش مامی گوید: بیماری مقاربتی و مسری است..."

فجایع بی شمارند

فجایع به این یا آن صحنه منحصر نمی شوند. باز بنگریم که روزنامه دولتی کیهان خود در این زمینه چه می نویسد:

"پدری در زابل که معتاد به هروئین است، بخاطر اعتیاد پسرش را ۳ هزار تومان و دخترش را ۴ هزار تومان فروخته است..."

"یکی از منابع محلی می گوید: یکبار زنی که بچه ای را به پشت داشت و به تکی می پرداخت، پس از یک حادثه دستگیر کردیم که با بازداشت او مشخص گردید، فرزند مال خودش نیست و متعلق به یک بلوچ است که ۳۵۰ تومان، این کودک را فروخته بود..."

"فقر در بین بومی ها عامل اعتیاد و فحشا است و مایکبار به خانهای در منطقه باباییان رفته بودیم که استخوانهایی را در خرابه جمع کرده بودند که سگ هم نمی خورد. مادر بچه ها، در این خانه توسط افغانی ها شکار شده و افغانی ها به اینها مواد می دادند که

و بیحال و زرد و زار، سر بر بالین بیماری نهاده است. مردی که خود را شوهر زن معرفی می کند، با شتاب به سوی ما می آید و خبر از بیماری زنش می دهد و بچه ها با نگاهی مملو از سوال در حول و حوش کالبد نیمه جان مادر بیمارشان چرخ می خورند. خانه سرد است و جز چند پاره پتو و دوسه دست لباس ژنده آویزان بر میخهای دیوار کاهکلی، چیزی دیده نمی شود. زن به سختی بدن سنگین شده اش را از کف اتاق می کند و در جواب ما که احوال وی را می پرسیم، چنین نجوا می کند: من مریضم، و سپس به چربی و گوشت پلاسیده ای که روی رف اتاق بوی تند و تهوع آمیزی را در

کرده که پیری زودرس، چین و چروکها و سایه های متأثر از اعتیاد در چهره اش داد می زند. و پسرک دیگر در حالی که چهار زانو نشسته و در یک دست کوچک و لرزانش، زرورق را گرفته و در دست دیگر کافز به آتش کشیده را زیر زرورق می چرخاند، با لبان گوستی و مرتعش خود، بخار گرد سفید را از راه نی مخصوص به درون ریه ها و سلولهای بدنش که گویی برای مخدر، دهان گشوده اند، هدایت می کند. بالاخره مرد میانسال معتاد که دائم به سیگارش پک می زند..."

این تصویر درد انگیز را گزارشگر روزنامه کیهان پس از بازدید از یک محله ۳۵ هزار نفری در زاهدان به نام بابائیان ارائه داده است. (در کیهان ۲۸ دی ۱۳۶۷) اکثریت قریب به اتفاق اهالی این محل معتادند از بچه های ۵ ساله و حتی ۲ ساله و ۳ ساله گرفته تا پیرمرد ها و پیرزن های دم مرگ. ناگفته نماند که در چنین محیط فلک زده ای افراد از ۳۵ سالگی به بعد سالخورده و پاد لب گور محسوب می شوند.

خبرنگار کیهان، در بخش اول گزارش خود (کیهان ۲۷ دی) تصویر زیر را از خانه دیگری در این محله ارائه داده است:



مادر و دختر معتاد. دختر ۱۲ سال دارد و برای تامین مخارج زندگی و اعتیاد خود و خانواده اش، خود فروشی می کند. هزاران دختر نوجوان چنین سرنوشتی دارند.



ارمغان جمهوری اسلامی برای نسل جوان

بی آینده می بیند، فی نفسه گسترش
بلائی اعتیاد را بدیهی میکند. نظام
حاکم، نظامی اعتیادگستر و معتاد
پرور است. تا این نظام
پابرجاست، بلائی اعتیاد با همین
شدت و حتی بیشتر، گسترش پیدا
خواهد کرد.

چرا رژیم دم از مبارزه با اعتیاد می زند؟

گسترش اعتیاد، ارگانسیم
جامعه ما را بیمار کرده است.
هزاران خانوار از هم پاشیده شده و
یا در کلیت خود به فقر سقوط
کرده اند. مردم به چشم دیده اند
که چگونه با روی کار آمدن فقها،
اعتیاد به شکل سرطانی و با سرعتی
هجیب رو به گسترش نهاد و همه جا
را آلوده کرد. در تهران، از هر ده
یا بیست رهگذری که از جلوی
چشمشان می گذرد، ای بسا که یکی
آشکارا معتاد در نظر آید. مردم
همه این پدیده ها را می بینند و با
ساده ترین منطق هم که قضیه را
بخواهند ریشه یابی کنند، به درستی
مسبب آن را نظام جمهوری
اسلامی معرفی می کنند. جمهوری
اسلامی بادم زدن از مبارزه با
اعتیاد، نقش آن دزدی را بازی
می کند که در مهرک های فریاد سر
داده بود: دزد را بگیرید!
رژیم هر از گاهی جارو و جنجال
فراوانی بر سر مساله قاچاق و اعتیاد
به راه می اندازد و چند صد نفر را
اعدام می کند، بی آنکه از شدت بلیه
کاسته شود. فقط قیمت مواد بالاتر
می رود و سود بیشتری راهی جیب
سوداگران مرگ می شود. در ضمن

خاصه سرکردگان اشرار افغانی.
در جایی که صادق طباطبایی به
هنوان یک نورچشمی رژیم، در
قاچاقچی گری شهرت بین المللی
دارد، در حالی که سران کمیت و
سپاه، حکام شرع و انواع و اقسام
آخوندهای ریز و درشت زود
بندهای روشن و آشکاری با باندهای
قاچاق مواد مخدر دارند، در حالی
که جبهه های جنگ خود یکی
از مراکز اصلی گسترش اعتیاد در
میان جوانان بوده و همچنان
هست، طبیعی است که اعتیاد
مدام گسترش یابد. در روزنامه
رسالت ۲۹ دی ماه این خبر درز
کرده است که مسئول کمیته
مبارزه با مواد مخدر زاهدان ده
میلیون ریال از یک قاچاقچی
رشوه گرفته است. زاهدان جایی
است که در بالا وضعیت محله ای از
این شهر فلک زده، به نقل از خود
روزنامه های دولتی، توصیف شد.

نظام معتاد پرور

مساله گسترش اعتیاد در ایران
را تنها نمی توان با خمدار درون خود
دستگاه حکومتی توضیح داد. این
امر تشدیدکننده پدیده اعتیاد
است و نه زمینه ساز آن. وجود
جامعه های با فواصل طبقاتی عظیم،
جامعه های نابهنجار و مصیبت زده،
جامعه های که بدبختی های دوره
حاکمیت سلطنت را به ارث برده و
سپس دچار مصیبت حاکمیت مشی
آخوند پست فطرت شده و ۸ سال
مداوم درگیر بلائی جنگ بوده
است، جامعه ای که فقر و بیکاری
در آن بیداد می کند و
بالاخره جامعه ای که خود را

رژیم با همراه انداختن موج بگیر و
ببند و اعدام، دستگاه های
پلیسی خود را تقویت کرده، جو
رعب و وحشت در جامعه ایجاد
می کند و علاوه بر این می کوشد که
بر روی کشتار زندانیان سیاسی
سایه افکند. باید این نیرنگها را
خنثی کرد و نفرت و کینه
خانواده های مصیبت دیده را در
جست مبارزه فعال با رژیم
اعتیاد پرور جمهوری اسلامی،
سازمان داد.

افشاگری در خارج از کشور

دامنه افشاگری در این زمینه را
باید به خارج از کشور نیز گسترش
دهیم. باید به جهانیان بگویم
جمهوری اسلامی چه مصیبت های
دردناکی را برای جامعه به همراه
داشته است. باید به جهانیان
بگویم: این بلا تنها دامنگیر ایران
نمی شود. ایران اکنون پل انتقال
مواد مخدر از آسیا به اروپاست.
باید در همه جا بر این نکته مهم
افشاگر دست بگذاریم که حکومت
فقها در ایران بلائی اعتیاد را در
سراسر جهان گسترش داده است.



در جمهوری اسلامی یکی مرگ در جبهه نصیب شد و دیگری به
چنین بلایی گرفتار گردید.

کیهان ۲۸ دی ۱۳۶۷

زنجیری آهنی، جسم بیحال و
متورم شده دخترک دهساله را به
بدنه چوبی تخت قرض کرده است،
و پدر که خود اسیر و گرفتار گرد
سفید است، سیر همانه با شلاق
چرمی، ضربات خرد کننده اش را
بر تن نحیف دخترک فرو می آورد
زیرا که دخترک امروز در آمد
چندانی بیجنگ نیآورده است، تا
پدر مستادش به خشم نیاید.
انسوتر، زن جوان حاضر نمی شود
بخطرات تأمین خرج اعتیاد
شهرش، دامن خود را آلوده

سازد. و شوهر معتاد، مستاصل و
زبون، در هجوم دردهای
طاقت فرسای نرسیدن به نشنگی
مرگ پیش رو را حس می کند.
خسرتان خشمی از جسد
بیمه جانش توی فضا سرریزد
و آرمای را روی اجاق پر از آتش
سرخ می کند و زانوان زن اسیر
خود را با آن می پرد و زن باقی
عمر خود را تا سپیدمدم به تضرع
و بی تابی از درد به پایان می برد و
اما داستان آن دخترک ۸ ساله که
پدر معتاد، او را پنجهزار تومان به
یوان ۳۱ ساله افغانی می فروشد

پل هوایی شوروی برای کابل

روزانه ۱۵ هواپیما با کالاهای ضروری در کابل فرود می آید



همانگونه که در شماره گذشته گزارش دادیم، کابل پایتخت افغانستان بر اثر یخبندان بیسابقه، بارش برف و محاصره توسط باندهای مسلح ضدانقلاب، دچار کمبود شدید مواد غذایی و سوختی شد. در شهر صف‌های طولانی برای خرید نان و بنزین اتومبیل به وجود آمد. قیمت گوشت، میوه و سبزی رشد بیسابقه‌ای یافت و بازار سیاه پیدا کرد. تعدادی از کودکان و سالخورده‌گان به هلت گرسنگی و سرما جان سپردند.

جاده‌هایی که کابل را با بخش‌های جنوب و شرق افغانستان متصل می‌کنند، توسط ضدانقلاب مسدود شده‌اند. تنها راه باقیمانده از کابل به طرف شمال از طریق گردنه سلنگ نیز در معرض تهدید باندهای مسلح و نیز ریزش بهمن قرار دارد. از همین رو، اتحاد شوروی تامین کالاهای ضروری کابل را با برقراری یک پل هوایی به عهده گرفته است.

هواپیماهای شوروی هزاران تن آرد به کابل حمل کرده‌اند. همچنین این هواپیماها حامل سایر مواد غذایی و سوختی هستند. به گزارش خبرگزاری تاس، شمار پروازهای هواپیماهای باری شوروی به کابل، به ۱۵ پرواز در روز رسیده است. این خبرگزاری می‌افزاید با برقراری این پل هوایی، خطر وخامت شدید اوضاع برطرف شد. هر هواپیما ایلوشین ۷۶، ۲۵ تن آرد به کابل حمل می‌کند.

در گزارش تاس آمده است "سبل انگاری‌های جنایتکارانه ماموران مسئول، که گاه با سوءنیت بوده است" در پایتخت افغانستان بر وخامت اوضاع افزود. تاس می‌افزاید مسئولان افغانی که با موقعیت گردنه سلنگ آشنا بوده‌اند، می‌بایستی از پیش برای ذخیره مواد غذایی در کابل تدارک می‌دیدند.

در حال حاضر نبردهای شدیدی در استانهای کابل، قندهار، ننگرهار، هرات، کندوز، پکتیا و نور جریان دارد. اتباع خارجی کابل را ترک می‌کنند و کشورهای غربی سوار تانک‌های خود را تعطیل کرده‌اند. ژنرال عبدالله فرماندار نظامی شهر کندوز اعلام کرد بدنبال یک

نبرد سه‌روزه، نیروهای دولتی افغانستان تلاش ۳ هزار ضدانقلابی برای تصرف کندوز را خنثی کرده‌اند. این شهر از هنگام خروج نیروهای شوروی از آن، شاهد درگیری‌های سختی بوده است. در تابستان ضدانقلابیون کندوز را تصرف کردند، اما مجبور شدند اندکی بعد عقب بنشینند. چند روز پیش، اشرار خبر تصرف فرودگاه کندوز را داده بودند. ژنرال عبدالله گزارش داد که در نبردهای کندوز ۴۰۰۰ ضدانقلابی کشته شدند. این نبردها یک هفته ادامه داشت و با شلیک ۲۵۰۰ موشک از سوی ضدانقلابیون به سوی شهر همراه بود.

ستاد فرماندهی ارتش افغانستان خبر داد در استان قندهار ۱۵ شورشی توسط نیروهای دولتی به هلاکت رسیده‌اند و ضدانقلاب تاچاچا به تخلیه ۲۰۰ موضع خود شده است. به گزارش تاس، در روزهای اخیر در مجموع هزار ضدانقلابی در نبرد با نیروهای دولتی کشته شدند.

در روز سه‌شنبه، نیروهای دولتی افغانستان عملیاتی را علیه باند ضدانقلابی احمدشاه مسعود که در منطقه گردنه سلنگ فعالیت می‌کنند، آغاز کردند. فرماندهی ارتش افغانستان گزارش داد در این نبردها ۳۷۷ ضدانقلابی کشته و چند موضع استراتژیک در امتداد جاده‌ای که کابل را به مرز شوروی متصل می‌کند، بازپس گرفته شدند. ارتش افغانستان در عملیات خود از هواپیما و توپخانه استفاده کرد.

روزنامه پروادا گزارش داد نیروهای شوروی نیز در مسیر خروج خود از طریق گردنه سلنگ درگیر نبردهای سختی شده‌اند.

سپاه دوم ارتش افغانستان در قندهار توسط نیروهای ضدانقلابی محاصره شده است. ارتش شوروی برای تامین کالاهای مورد نیاز این شهر نیز یک پل هوایی برقرار کرده است. باند ضدانقلابی "حزب اسلامی" اعلام کرد که به اتفاق سایر اشرار، حملات علیه قندهار را شدت بخشیده است. همچنین از روز جمعه حملات موشکی به کابل که چند روز قطع شده بود، از سر گرفته شد.

سخنگوی فرماندهی نیروهای

شوروی در افغانستان اعلام کرد آخرین مرحله خروج نیروهای شوروی از این کشور آغاز شده است. این سخنگو افزود تا تاریخ ۲۶ بهمن (۱۵ فوریه) آخرین سرباز شوروی نیز افغانستان را ترک خواهد کرد و تنها شماری مستشار نظامی در افغانستان باقی خواهند ماند. تعداد این مستشاران، "چند ده" نفر اعلام شد.

ژنرال یازوف وزیر دفاع شوروی جمعه گذشته وارد کابل شد. وی با نجیب‌الله رئیس‌جمهور افغانستان دیدار و گفتگو کرد. همچنین ادوارد شواردناده در روز ۱۵ بهمن (۴ فوریه) برای مذاکره با دولت پاکستان در مورد اوضاع افغانستان به اسلام‌آباد سفر خواهد کرد. وزیر خارجه شوروی پس از دیداری از چین وارد پاکستان خواهد شد. دیه‌گو کوردوز مامور ویژه دبیر کل سازمان ملل اعلام کرد که از روز ۲۳ بهمن تلاش‌های جدیدی برای ترقیب همه طرفهای درگیر به تشکیل یک دولت ائتلافی آغاز خواهد کرد. مذاکرات شورشیان افغانی بایولی و وروتسوف معاون وزیر خارجه شوروی چندی پیش بدون حصول توافق قطع شد.

نجیب‌الله رهبر افغانستان، خاورپرز دوکویار دبیرکل سازمان ملل را دعوت کرد هرچه زودتر به کابل سفر کند. نجیب در نامه خود یادآور شد که سازمان ملل مسئول اجرای معاهده ژنو در باره افغانستان است.

اختلافات میان باندهای ضدانقلابی افغانستان شدت گرفته است. نیروهای ضدانقلابی تشکیل

شورایی را که قرار بود از روز ۱۲ بهمن به تبادل نظر برای ایجاد دولت بپردازد، تا ۲۱ بهمن به تعویق انداختند. این تصمیم "شورای عالی" ضدانقلابیون، پس از مذاکرات دو روزه "ائتلاف هفتگانه" مستقر در پیشاور پاکستان با رهبران "ائتلاف هشتگانه" مورد حمایت جمهوری اسلامی صورت گرفت. افغانی‌های طرفدار رژیم خمینی به تعیین سمیه‌ای ۶۰ نفری برای خود از مجموع ۴۸۰ عضو شورا، اعتراض کرده و خواهان داشتن ۱۲۰ نماینده در این شورا شده بودند. به منظور مذاکره بری حل این اختلافات، گلبدین حکمت‌یار سرکرده "حزب اسلامی"، بزرگترین نیروی ائتلاف هفتگانه پیشاور، به تهران رفته و با افغانی‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی و نیز ولایتی وزیر خارجه دیدار کرده است. ولایتی در دیدار با حکمت‌یار خواهان تشکیل دولت مشترکی از ضدانقلابیون شد.

از سوی دیگر در درون ائتلاف هفتگانه نیز اختلافات بالا می‌گیرد. سه‌گروه متمایل به سلطنت در افغانستان که عضو ائتلاف پیشاورند، اعلام کردند "دولت موقت" به ریاست احمدشاه مسعود را که در سال گذشته از سوی شورشیان مستقر در پاکستان تشکیل شده است، نمی‌پذیرند. مخالفان احمدشاه مسعود، خواهان بازگشت ظاهر شاه هستند. برخی گزارش‌ها حتی حاکی از وقوع درگیری‌هایی در یک اردوگاه افغانی مادر کویته پاکستان است.

پیشنهاد جدید انقلابیون السالوادور

در روز سه شنبه ۲۴ ژانویه، جبهه‌هایی بخش فارابوندومارتی السالوادور، پیشنهاد مهمی برای پایان دادن به جنگ داخلی ۹ ساله در این کشور ارائه کرد. انقلابیون السالوادور اعلام کردند که تحت شرایطی، انتخابات ریاست جمهوری در سال جاری میلادی را به رسمیت شناخته، خود در آن شرکت خواهند کرد. نمایندگان جبهه فارابوندومارتی طی یک کنفرانس مطبوعاتی در مکزیکوسیتی اظهار داشتند هدف از این پیشنهاد جلوگیری از وقوع یک انفجار اجتماعی در السالوادور و امکان پذیر کردن راه‌حلی برای بحران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی عمیق این کشور است. به پیشنهاد میهن پرستان السالوادور، انتخابات ریاست جمهوری می‌بایست از ۱۹ مارس به ۱۵ سپتامبر موکول شود و در این جهت تلاش گردد که مردم و سיעاد در رای گیری شرکت کنند. طبق این پیشنهاد، انتخابات باید تحت نظارت نمایندگان سازمان‌های حقوق بشر و کلیسا صورت گیرد و بدین منظور از ناظران خارجی هم دعوت به عمل آید.

قیام مردم فلسطین ادامه دارد

هفته گذشته دیکده‌ای در نزدیکی الخلیل در کرانه غربی رود اردن، مورد حمله سربازان ارتش اسرائیل قرار گرفت. در این یورش یک نوجوان ۱۷ ساله فلسطینی کشته شد. روز سه شنبه، در هشت اردوگاه آوارگان با جمعیت حدود ۲۰۰ هزار نفر در نوار قزّه از سوی صهیونیست‌ها مقررات منع رفت و آمد برقرار شد. این اقدام برای مقابله با اعتصاب عمومی مردم این منطقه صورت گرفت. سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد از ۸ دسامبر ۱۹۸۷، روز آغاز قیام مردم فلسطین تاکنون ۲۸۸ فلسطینی توسط صهیونیست‌ها به قتل رسیده‌اند. منابع فلسطینی، تعداد قربانیان سرکوبگری ارتش اسرائیل را ۳۷۰ تن اعلام کرده‌اند. از ر وایزمن یکی از اعضای کابینه اسرائیل خواهان مذاکره دولت اسرائیل با سازمان آزادیبخش فلسطین شد. وی تلاش‌های جاری کابینه شامیر برای سازمان دادن یک جریان فلسطینی رقیب ساف در مناطق اشغالی به منظور پیدا کردن "طرف مذاکره" را محکوم به شکست دانست. در حال حاضر اسحاق رابین وزیر دفاع اسرائیل سرگرم گفتگوهایی با برخی شخصیت‌های فلسطینی است. وزرای خارجه اسپانیا، یونان و فرانسه به نمایندگی از سوی بازار مشترک، بایاسر هرات رهبر ساف دیدار و گفتگو کردند.

از میان سایر رویدادها

آلمان دموکراتیک و چکسلواکی اعلام کردند که بطور یکجانبه شمار افراد ارتش و بودجه نظامی خود را کاهش می‌دهند. در آلمان دموکراتیک، ۱۰ هزار نفر از نفرت ارتش و ۱۰ درصد از بودجه دفاع و در چکسلواکی ۱۲ هزار تن از افراد ارتش و ۱۵ درصد از هزینه‌های دفاعی کاسته خواهد شد.

جبهه فارابوندومارتی شرایط انتخاباتی واقعی را قطع فوری قتل‌ها و آدم‌ربایی‌ها، خودداری از اقدامات سرکوبگرانه علیه اعتصابات و سایر حرکت‌های توده‌ای و نیز احترام به مبارزه انتخاباتی همه احزاب از سوی ارتش اعلام کرده است. خود این جبهه اطمینان داده است که به نوبه خود فعالیت‌های همه احزاب و ارگان‌های انتخاباتی و نیز شهرداران را خواهد پذیرفت. انقلابیون السالوادور افزوده‌اند که در صورت تأمین این شرایط مشروطیت حکومتی را که از انتخابات فرار وید و نیز مشروطیت کابینه فعلی را به عنوان دولت دوره گذار خواهند پذیرفت. جبهه فارابوندومارتی خاطر نشان می‌کند که بدین ترتیب، انتخابات می‌تواند به حل مسائل کشور کمک کرده، گام مهمی به سوی صلح باشد. بلافاصله پس از رایزنی پیشنهاد جدید جبهه فارابوندومارتی، یک سخنگوی دولت السالوادور اعلام کرد حکومت خوزه ناپلئون دوارته رئیس‌جمهور این کشور در حال بررسی این پیشنهاد است و بعدها به آن پاسخ خواهد داد.

زمین لرزه در تاجیکستان

مسانتی معادل ۸ کیلومتر، این سه روستا را در بر گرفت. دولت تاجیکستان برای نجات افرادی که در زیر آوار مانده‌اند، مداوای مجروحان و کمک به مردمی که خانه‌های خود را از دست داده‌اند، کمیسون ویژه‌ای تشکیل داد. از سوی دیگر دانشمندان هشدار دادند که احتمال وقوع زلزله جدیدی در ارمنستان وجود دارد. در این منطقه در پوسته زمین فعالیت‌های شدیدی اندازه‌گیری شده است. زمین لرزه ماه دسامبر در ارمنستان ۲۵ هزار کشته به جای گذاشت.

زمین لرزه شدیدی صبح دوشنبه ۲۳ ژانویه، منطقه گیسارسکی واقع در ۳۰ کیلومتری جنوب شرقی شهر دوشنبه پایتخت جمهوری شوروی تاجیکستان را لرزاند. این زلزله که به شدت زلزله ارمنستان نبود، باعث تخریب بیش از ۴۰۰ خانه مسکونی، ۵ مدرسه، یک بیمارستان و یک زایشگاه شد. تلفات این حادثه بین ۵۰۰ تا هزار نفر گزارش شده است. به گزارش خبرگزاری تاس، زلزله تاجیکستان باعث جابجایی عظیم خاک سطح زمین شد و حداقل سه روستا را مدفون کرد. توده عظیمی از خاک با ارتفاع حداقل ۱۲ متر، در طول

ابتکار ویتنام برای تشکیل کنفرانس در مورد کامبوج

نگوین وان لین دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام در سفر خود به هند خواهان تشکیل یک کنفرانس بین‌المللی در مورد مسئله کامبوج با شرکت همه طرف‌های درگیر این مسئله و نیز ایالات متحده، اتحاد شوروی، چین و هند شد.

نور دوم سیهانوک رهبر پیشین کامبوج در پکن با مقامات چین در مورد مسئله کامبوج به گفتگو پرداخت. معاونین وزرای خارجه چین و ویتنام نیز در پکن ملاقات کردند و در مورد برنامه‌ای جهت خروج نیروهای ویتنامی از کامبوج تا سپتامبر ۱۹۸۹ و قطع کمک‌های خارجی به گروه‌های کامبوجی به توافق رسیدند. قرار است از ۱۹ تا ۲۱ فوریه، نمایندگان همه طرف‌های درگیر مسئله کامبوج برای بار دوم در جاکارتا پایتخت اندونزی ملاقات کنند.



در روز یکشنبه ۲۲ ژانویه در حدود ۲۰ هزار تن در سئول پایتخت کره جنوبی برای وحدت کره دست به تظاهرات زدند. در مرکز شهر سئول میان شرکت کنندگان در تظاهرات و پلیس درگیری‌هایی روی داد.

این فجایع را می خواهند با بوق و کرنا تبلیغاتی و چوبه های دار از میان بردارند!

عامل اصلی گسترش وحشتناک اعتیاد در کشور، خود نظام جمهوری اسلامی است



کودکی که در مقابلتان، در کنار بساط مصرف مواد مخدر نشسته است، چند سال دارد؟ در ایران خمینی زده، هزاران کودک سرنوشتی همچون او ریاخته اند.

تصاویری تکان دهنده

۱۲ تا کی حقیق در پای کوهی سنگی مثل یک کثام نشسته است. متروک و دور افتاده است. به آهستگی گامهایمان را از ریزه سنگهای پای کوه به جلو میرانیم. و اینک سه کودک ۵ ساله و ۱۱ و ۱۰ ساله کنار مردی معتاد با موهای سفید در قاب نگاهمان ظاهر میشوند. فضای اتاق به اتاق مانند نیست. بریدگی های سنگ که شیارهای خاک گرفته ای دارد، در فضای داخلی اتاق شکم داده است و چند تشک ابری سیاه و وارفته در گوشه اتاق رویهم ریخته است. بساط افیون پهن است، چراغ نفتی، قوری به سیاهی نشسته و یک ماهی تابه روغنی و دیگی وارونه بر کف خاکی اتاق. بچه های معتاد با دست های پینه بسته شان، خم گشته اند روی زورق و پاهای لخت و استخوانی شان روی گونی های پوشیده، ستون بدن شده است تا پاو دست و فکر و ذهن، همه در فرودادن بخار مرگ، هماهنگ باشند. کوچکترین شان تازه از کشیدن هروئین فارغ شده و متحیرانه و منتظر حوادث بعدی، ما را می یابد. آن دیگری که سعید نام دارد، در ۱۱ سالگی چنان مواد افیونی در بافتهای بدنش رسوخ بقیه در صفحه ۱۲

به عکسهای این صفحه و صفحات ۱۲ و ۱۳ بنگرید، هر یک از آنها فاجعه عظیمی را بازتاب میدهد.

کودکان پنج - شش ساله را ببینید که چگونه کنار بساط هروئین و شیر و تریاک نشسته اند، و نیز دختران نوجوان را که اسیر اعتیادند و فحشا، کلبه هایشان مظهر فقر و فلاکت است. زندگی شان اوج درماندگی است، در ایران خمینی زده ما چند نفر چنین سرنوشتی یافته اند؟ آمار روشنی در دست نیست.

بنابر گزارش "دایره بین المللی کنترل مواد مخدر" وابسته به سازمان ملل متحد، ایران از لحاظ مصرف و اشاعه مواد مخدر و اعتیاد در صدر تمام کشورهای دنیا قرار گرفته است. در گزارش سال ۱۹۸۴ این نهاد بین المللی، تعداد معتادین به تریاک بیش از ۱/۵ میلیون نفر و تعداد معتادین به هروئین بیش از ۱۰۰ هزار نفر برآورد شده است. در حال حاضر تعداد معتادین در ایران رادست کم باید ۳ میلیون نفر برآورد کرد. حال رژیم می خواهد با بوق و کرنا تبلیغاتی و برپا کردن چوبه های دار، مساله این ۳ میلیون نفر را حل کرده و جلوی گسترش اعتیاد را بگیرد!

برای اشتراك نشریات "کار" و "اکثریت" در خارج از کشور فرم زیر را پر کرده و همراه با معادل بهای اشتراك، تمپرستی و یارسید بانکی پرداخت بهای اشتراك به آدرس نشریه ارسال نمایید:

بهای اشتراك	☐ شش ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "کار"	☐ يك ساله	۱۱ مارك	۱۳ مارك
		۲۱ مارك	۲۴ مارك
بهای اشتراك	☐ سه ماهه	اروپا	دیگر نقاط
نشریه "اکثریت"	☐ شش ماهه	۲۷ مارك	۳۰ مارك
	☐ يك ساله	۱۰۲ مارك	۵۸ مارك
			۱۱۵ مارك

آدرس کامل (لطفاً خوانا بنویسید)

AKSARIYAT
NO. 243
MONDAY, 30 JAN 89

آدرس:
Address:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی:
AUSTRIA . WIEN
BAWAG
(BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT)
NR. 02910701-650
DR. GERTRAUD ARTNER

با جمع آوری کمک های
فدائیان خلق را در انجام
وظایف انقلابی
یاری دهید



خمینی: "اینجا مملکت امام زمان است."